خدمت گزاری به زائران
در فرهنگ اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت گذاری به زائران در فرهنگ اسلامی

نویسنده:

عباس میری خضری

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

خدمت گذاری به زائران در فرهنگ اسلامی

مشخصات کتاب

سرشناسه : میری خضری، سیدعباس، ۱۳۳۵ -

عنوان و نام پدیدآور : خدمت‌گزاری به زائران در فرهنگ اسلامی/ سیدعباس میری‌خضری.

مشخصات نشر : تهران: نشر مشعر، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۱۲۳ص.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۳۶۶-۷

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه : ص. [۱۲۱] - ۱۲۳ ؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : حاجیان -- خدمات

موضوع : حج -- تدارکات

موضوع : خدمات اجتماعی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام

رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۸/م۹۸۴خ۴ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۷

شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۳۲۴۵۳

ص:۱

دیباچه

ص:۲

ص:۳

ص:۴۰

ص:۵

ص:۶

ص:۷

ص:۸

ص:۹

خدمت‌گزاری به بندگان خدا زیربنای همه ادیان الهی، به‌ویژه دین مبین اسلام است. بدون همیاری و همکاری، بسیاری از اهداف اجتماعی ادیان الهی به سرانجام نخواهد رسید. ازاین‌رو باید روحیه کمک کردن به انسان‌های نیازمند در جامعه رواج یابد. امدادرسانی به نیازمندان اجتماعی تکلیفی بس مهم و ضروری است؛ به‌ویژه اگر در راستای اهداف متعالی اسلام باشد.

یکی از عرصه‌های خدمت‌گزاری به بندگان خدا، خدمت به مهمانان پروردگار و زائران اماکن شریفی است که خداوند جایگاهشان را رفیع گردانیده است. به‌ویژه در این زمان که هر سال بر تعداد زائران خانه خدا افزوده می‌شود و باعث می‌شود که افراد چندین سال در نوبت بمانند و افزایش سن یابند.

اثر پیش رو با عنوان «خدمت‌گزاری به زائران در فرهنگ اسلامی» که محقق ارجمند جناب حجةالاسلام و المسلمین سیدعباس میری خضری

ص:۱۰

آن را تـدوین کرده است، بـه اهمیـت موضـوع خـدمت بـه زائران از دیـدگاه اسـلام می‌پردازد. امیـدواریم ایـن اثر کمـک کنـد تا خدمت‌گزاری به بندگان خدا و به زائران خانه دوست و اولیایش، به یک فرهنگ تبدیل شود.

انه ولی التوفیق

مرکز تحقیقات حج

گروه اخلاق و اسرار

ص:۱۱

مقدمه

از آنجا که نیاز افراد به هم، ضرورت زندگی اجتماعی است، اسلام همواره از پیروان خود خواسته است با از میان برداشتن گرفتاری و رسیدگی به نیاز افراد، روح همبستگی و برادری را میان خود رواج دهند. اهتمام اسلام به این مسئله نیز تا حدی است که خدمت به مردم را خدمت به خدا دانسته است و چنان‌که می‌دانید، این امر برای کارگزاران حج و زیارت، در خدمت‌رسانی به زائران خانه خدا و پیشوایان معصوم علیهم السلام، از تأکید بیشتری برخوردار است.

در این نوشتار برآنیم تا نشان دهیم که نادیده گرفتن مسئله خدمت‌گزاری در اسلام چنان پراهمیت است که حتی در هویت اسلامی و ایمانی هر مسلمان ایجاد تشکیک می‌کند.

اسلام دین معرفت، پرستش، نیایش، خیرخواهی و خدمت به بندگان خداست؛ همان‌گونه که آموزه‌های اسلام به خلوت و انس با خدا، تهجد، نماز و عبادات اهتمام ورزیده، به خدمت‌رسانی، رفع نیاز مستمندان و

ص:۱۲

دستگیری بیچارگان نیز توجه ویژه دارد و همین دو عنصر است که عصاره دین را نشان می‌دهد؛ چنان‌که خداوند در قرآن می‌فرماید:

وَ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ أُولئِکَ أَصْحابُ الْجَنَّهِ. . . (بقره:۸۲)

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند آنان اهل بهشتند.

و نیز فرموده است:

. . . یُقِیمُونَ الصَّلاهَ وَ مِمَّا رَزَقْناهُمْ یُنْفِقُونَ (بقره: ۳)

نماز را بر پا می‌دارند و از نعمت‌هایی که به آنان داده‌ایم، انفاق می‌کنند.

این اصول قرآنی، کارگزاران حج و زیارت را بر آن می‌دارد که در سفرهای زیارتی، به دلیل شرایط ویژه آن و نیازمندی‌های گوناگون زائران، به‌طور خاص به امر خدمت‌رسانی توجه داشته باشند. در این اثر به گوشه‌ای از وظایف خدمت‌رسانی کارگزاران حج، و نیز مقام و پاداش آنان، اشاره می‌شود.

ص:۱۳

فصل اول: مبانی خدمت‌گزاری در اسلام

اشاره

ص:۱۴

ص:۱۵

حضور کارگزاران و افراد مسئول در هر سازمان، برای خدمت کردن به مردم و جامعه است؛ چنان‌که هدف سازمان حج و زیارت نیز در تمام بخش‌های گوناگون آن، اعم از امور روحانیون، فرهنگی، ستادی و اجرایی، خدمت‌گزاری به زائران است.

این هدف اصلی سازمان حج و زیارت است که تاکنون دستورالعمل‌های مکتوب و غیرمکتوب زیادی بدان تأکید داشته است.

خدمت‌رسانی در منابع اصیل دین، آموزه‌های شریعت و سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام والاترین تلاش خداپسندانه و توفیق الهی به انسان است که تداوم آن هم، به چگونگی خدمت‌گزاری به بندگان خدا بستگی دارد. ۱

در اسلام خدمتگزاری بر پایه مبانی بنیان نهاده شده که برخی از آنها عبارتند از:

۱) . نهج‌البلاغه، حکمت ۳۷۲، امام علی علیه السلام خطاب به جابر بن عبدالله انصاری فرمود: «ای جابر کسی که نعمت‌های فراوان خدا به او روی کرد، نیازهای فراوان مردم نیز به او روی آورد. پس اگر صاحب نعمتی حقوق واجب الهی را بپردازد، خداوند نعمت‌هایش را بر او جاودانه سازد و آن کسی که حقوق واجب الهی در نعمت‌ها را نپردازد آن را به زوال و نابودی کشاند» .

ص:۱۶

۱. خاستگاه فطری و طبیعی خدمت‌گزاری

یکی از عالی‌ترین تمایلات انسانی، حس نوع‌دوستی و عواطف لطیفی است که از اعماق جان انسان سرچشمه می‌گیرد و به صورت نیکی و احسان به دیگران، جلوه می‌کند. انسان به‌خاطر احساس و عاطفه‌اش نمی‌تواند از کنار نیازمندی، بی‌تفاوت بگذرد. شهید مطهری (ره) حس خدمت به هم‌نوع را خواسته طبیعی و سرشت بشری انسان دانسته، می‌گوید:

خواسته‌های طبیعی، آن چیزهایی است که ناشی از ساختمان طبیعی بشر است. یک سلسله امور [است] که هر بشری به موجب آنکه بشر است، خواهان آنهاست و رمز آنها را هم هنوز کسی مدعی نشده که کشف کرده است؛ مثلاً بشر علاقه‌مند به تحقیق و کاوش علمی است. همچنین به مظاهر جمال و زیبایی و تشکیل کانون خانوادگی و تولید نسل، با همه زحمت‌ها و مرارت‌هایش، علاقه‌مند است. به همدردی و خدمت به هم‌نوع علاقه‌مند است. اما چرا بشر علاقه‌مند تحقیق است. . . . چیزی که برای ما قابل تردید نیست، این است که این خواسته‌ها طبیعی است.(۱)

۲. ایمان و معرفت دینی

اعتقاد ژرف به مبانی دین، باور به پروردگار یکتا و روز واپسین و تسلیم در برابر دستورهای الهی، مهم‌ترین رکن همه انگیزه‌ها و فعالیت‌های انسان است که او را به انجام دادن تلاش‌های خداجویانه و

۱- امدادهای غیبی در زندگی بشر، شهید مطهری، صص ۱۷ و ۱۸.

ص:۱۷

پرداختن به نیازهای فردی و اجتماعی وامی‌دارد.

قرآن پس از دعوت به باورهای اساسی دین، مؤمنان را به اعمال نیک فرا می‌خواند تا بر محور احسان، خیرخواهی و خدمت به دیگران حرکت کنند.

وَ الْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسانَ لَفِی خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ (عصر:۱- ۳)

به عصر سوگند، که انسان‌ها همه در زیانند، مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند.

پیشوایان معصوم علیهم السلام عمل صالح را به مواسات و شریک کردن دیگران در نعمت‌های خدادادی تفسیر کرده‌اند. ایمان مؤمن واقعی نیز با همراهی و یاری دیگران پیوند خورده و این دو با هم، گوهر دیانت مؤمن را می‌سازند.

اصولاً شاخصه ایمان مؤمن، خدمت‌رسانی به مؤمنان است. یکی از یاران امام صادق علیه السلام می‌گوید: از آن حضرت شنیدم که فرمود:

اَلمُؤمِنُونَ خَدَمٌ بَعضُهُم لِبَعضٍ. قُلْتُ: وَ کَیفَ یَکُونُونَ خَدَماً بَعضُهُم لِبعضٍ؟ قالَ یُفیدُ بَعضُهُم بَعضاً. (۱)

مؤمنان، خدمت‌گزار یکدیگرند. گفتم: «چگونه؟» فرمود: «به یکدیگر فایده می‌رسانند» .

بنابراین اساس، ایمان به خدا، بندگی خالصانه، معادباوری و احساس نیاز به لطف و عنایت پروردگار در قیامت، منشأ خدمت و خیررسانی است.

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۶۷.

ص:۱۸

امام علی علیه السلام اعتقاد به معاد و رسیدن به وعده‌های نیک الهی در قیامت را اساس خدمت به دیگران می‌شمارد و می‌فرماید:

مَن أیقَنَ بِالخَلَفِ سَخَتْ نَفسُهُ بِالنَّفَقَهٔ. . . (۱)وَ مَن أیقَنَ بِالخَلَفِ جادَ بِالعَطِیَّهٔ. . . .(۲)

هرکس به آخرت یقین کند، نفس او با انفاق و مددرسانی مالی به دیگران سخی می گردد. . . و هرکس به آخرت یقین کند، به عطا و بخشش، خود را آراسته می‌سازد.

بندگان مؤمن و خداشناس، به‌خاطر جلب رضای الهی و ترس از نافرمانی خدا با شور و نشاط به دیگران یاری می‌رسانند، تا جایی که در خدمت به نیازمندان از هم پیشی می گیرند.

وَ الَّذِینَ یُؤْتُونَ ما آتَوْا وَ قُلُوبُهُمْ وَجِلَهٌ أَنَّهُمْ إِلی رَبِّهِمْ راجِعُونَ * أُولئِکَ یُسارِعُونَ فِی الْخَیْراتِ وَ هُمْ لَها سابِقُونَ (مؤمنون: ۶۰ و ۶۱)

و آنها که نهایت کوشش را در انجام طاعت به خرج می‌دهند و با این حال، از اینکه سرانجام به‌سوی پروردگارشان باز می گردند، دل‌هایشان ترسان است؛ چنین کسانی در خیرات شتاب می کنند و از دیگران پیشی می گیرند.

امام علی علیه السلام با اشاره به مبنای فعالیت‌های مردمی خود، آن را نتیجه ایمان به وعده‌های الهی در دنیا و آخرت می‌داند.

کانَ لِعَلی علیه السلام اَربَعَهُٔ دَراهِمَ لایَملِکُ غَیرَها، فَتَصَدَّقَ بِدرهمٍ لَیلاً وَ

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۵۴۷.

۲- همان، ج ۱۶، ص ۲۸۸.

ص:۱۹

بِدِرهَم نَهاراً وَ بِدِرهَم سِرّاً وَ بِدِرهَم عَلانیَةً فَبَلَغَ ذَلِکَ النَّبی (ص) فَقالَ: یا عَلی ما حَمَّلَکَ عَلی ما صَنَعتَ؟ قالَ: إنجازُ مَوعُودِ الله.(۱)

علی علیه السلام تنها چهار درهم داشت، درهمی را شب و درهمی را روز صدقه داد. درهمی را مخفیانه و درهمی را به صورت علنی صدقه داد. خبر این موضوع به پیامبر رسید. پیامبر (ص) از او پرسید: «چه چیز تو را به این کار واداشت؟» علی علیه السلام فرمود: [ایمان و باور به اینکه] خداوند وعده‌های خود را [در قبال نیکوکاری و خدمت‌رسانی] محقق می‌سازد.

اسلام موتور محرک خدمت‌رسانی مؤمنان به یکدیگر را ایمان به خدا، معاد، رسول و ولایت پیشوایان معصوم می‌شمارد و بی‌توجهی مؤمنان به نیازهای همدیگر را خارج شدن از ولایت الهی و رسول خدا (ص) و اهل‌بیت علیهم السلام می‌داند. امام صادق علیه السلام به «رفاعة بن موسی» فرمود:

ما آمَنَ بِاللهِ وَ لا بِمُحَمدٍّ وَ لا بِعَلی مَن إذا اَتاهُ أخُوهُ المُؤمنُ فی حاجَةٍ لَم‌یَضْحَک فی وَجْهِه فَإنْ کانَتْ حاجَتُهُ عِندَهُ سارَعَ إلی قَضائِها وَ انْ لَمْ یَکُن عِندَه تَکلَّفَ مِن عِنْدِ غَیرِه حَتّی یَقضِیَها لَه فَإذا کانَ بِخِلافِ ما وَصفتُه فلا وَلایَةَ بَینَنا وَ بَینَهُ.(۲)

به خدای متعال و محمد (ص) و علی علیه السلام ایمان ندارد کسی که وقتی برادر مؤمنش برای کاری نزد او می‌آید، با خوش‌رویی و خنده با او برخورد نکند. پس اگر زمینه برآوردن حاجت نزد خودش فراهم است، با سرعت انجام دهد و اگر نیست، زحمت کشیده و با

۱- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۸۰.

۲- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۷۶؛ الحیاة، ج ۶، ص ۱۰۷.

ص:۲۰

کمک دیگری مشکل را حل کند. در غیر این صورت، بین ما و او رشته ولایت برقرار نخواهد شد.

۳. خدمت‌گزاری، همسنگ ایمان به خدا

در منابع و متون شریعت، به‌ویژه آیات قرآن، خدمت‌گزاری به مردم و اجتماع در ردیف با ارزش‌ترین چیزی که هویت مسلمانی انسان را می‌سازد، یعنی ایمان به خدا، قرار گرفته و در اجر و پاداش و آثار معنوی همسنگ ایمان شناخته شده است؛ خداوند در قرآن می‌فرماید.

آمِنُوا بِاللهِ وَ رَسُولِهِ وَ أَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَکُمْ مُسْتَخْلَفِینَ فِیهِ فَالَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ أَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ کَبِیرٌ (حدید: ۷)

به خدا و پیامبرش ایمان بیاورید و از آنچه شما را جانشین و نماینده (خود) در آن قرار داده، انفاق کنید؛ [زیرا] کسانی از شما که ایمان بیاورند و انفاق کنند، اجر بزرگی دارند.

در آیه شریفه، ایمان به خدا و پیامبر (ص) و انفاق، با «واو» عطف شده که به معنای جمع و هم‌ردیف با ایمان به خدا و پیامبر (ص) آمده است. سپس نتیجه جمع میان ایمان و انفاق را بیان کرده، «آن کسانی از شما که ایمان بیاورند و انفاق کنند، اجر بزرگی دارند» .(۱)

در آیات بعد، موضوع روشن‌تر پیگیری شده و افرادی که ایمان نمی‌آورند با افرادی که انفاق نمی‌کنند، به یک صورت توبیخ می‌کند و می‌فرماید: وَ ما لَکُمْ لا تُؤْمِنُونَ بِاللهِ ؛ «چرا به خدا ایمان

۱- الحیاهٔ، ج ۶، صص ۶۶ و ۶۷.

ص:۲۱

نمی‌آورید؟» (حدید:۸) و می‌فرماید: وَ ما لَکُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِی سَبِیلِ اللهِ ؛ «چرا در راه خدا انفاق نمی‌کنید؟» (حدید:۱۰)

رسول خدا (ص) نیز خدمت به مردم را معادل ایمان و توحید، و ضرر به مردم را معادل شرک شمرده است:

خَصلَتان لَیسَ فَوْقَهُما مِنَ البرِّ شَیءٌ الایمانُ بِاللهِ والنَّفعُ لِعبادِ الله و خَصلَتان لَیسَ فَوقَهُما مِنَ الشَّرِّ شیءٌ الشِّرکُ باللهِ والضَّرُّ لِعبادِ الله.(۱)

دو خصلت است که در ارزش هیچ چیز به پای آن دو نمی‌رسد: خداباوری و خدمت‌رسانی به بندگان خدا و دو خصلت است که در زشتی و بدی هیچ چیز به پای آن دو نمی‌رسد: شرک و ضرررسانی به بندگان خدا.

در سخنان پیشوایان دین، برطرف نکردن نیاز برادر مؤمن، خیانت به او معرفی شده است.

ابوبصیر می‌گوید:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «هرکس از یاران ما که یکی از برادرانش برای حاجتی از او کمک بجوید، ولی او با تمام توان، نهایت تلاش و توان خود را به کار نگیرد، به‌طور یقین به خدا و رسولش و نیز مؤمنان خیانت کرده است» .(۲)

۱- تحف العقول، ص ۳۵.

۲- کافی، ج ۲، ص ۳۶۲.

ص:۲۲

ص:۲۳

فصل دوم: ارزش و اهمیت خدمت‌رسانی به زائران

اشاره

ص:۲۴

ص:۲۵

در فرهنگ اسلامی، تکالیفی چون جهاد، شهادت، حج و. . . میزان سنجش اعمال دیگر دانسته شده‌اند. در امر خدمت به دیگران نیز چنین مقایسه‌ای صورت گرفته است. از مجموعه این سنجش‌ها برمی‌آید که خدمت‌رسانی، نه تنها عملی ارجمند، که از برجسته‌ترین معیارهای ارزش‌گزاری است و خدمت‌کردن خود عبادت اجتماعی و معیار مسلمانی است و خدمت‌رسان نیز با مجاهدان و شهیدان همسان شناخته شده است.

خدمت‌گزاری پیوند با ولایت الهی

هنگامی که فرد برای برآوردن نیاز مؤمنان گام برمی‌دارد، از همان قدم نخست در پرتو ولایت ائمه علیهم السلام قرار می‌گیرد.

. . . مَن اَتاه اَخُوهُ المُؤمِنُ فی حاجةٍ فَإنَّما هی رَحمَةٌ مِنَ اللهِ تَبارَکَ وَ تَعالی ساقَها إلَیهِ فَإنْ قَبِلَ ذلِك فَقَدْ وَصَلَهُ بِوَلایَتِنا وَ هُو مَوصُولٌ بِوَلایَةِ اللهِ. . . .(۱)

هرکس که برادر مؤمنش برای حاجتی نزد او برود، در واقع رحمتی است که خداوند به‌سوی او فرستاده است که اگر آن را

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۹۶.

ص:۲۶

برآورد، به ولایت ما پیوسته است که آن نیز به ولایت خداوند پیوند دارد.

خدمت‌گزاری به مثابه جهاد در راه خدا

در شرع مقدس اسلام، ارزشمندترین عمل واجب، جهاد در راه خداست. در آموزه‌های دین، برخی اعمال مهم را از نظر ارزش معنوی و پاداش اخروی، با جهاد مقایسه می‌کنند؛ برآوردن نیاز مردم نیز از آن دسته اعمال مهم و هم‌ردیف با جهاد شمرده شده است. در این میان خدمت‌گزاری به زائران خانه خدا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و پاداش آن نیز دوچندان است. امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

انَّ المُسلمَ اِذا جاءَ اَخُوهُ المُسلمُ فَقامَ مَعَهُ فی حاجَةٍ کانَ کَالمُجاهِدِ فی سَبیلِ اللهِ عزَّوَجَلَّ.(۱)

مسلمانی که برادر مسلمانش [برای رفع نیازش] نزد او می‌رود و برای برآوردن حاجت برادر مسلمانش برخیزد و در پی برآوردن حاجت وی تلاش کند، همچون مجاهد در راه خداوند است.

برتری خدمت‌گزاری از حج و عمره

بدون شک حج و عمره برکات فردی و اجتماعی بسیاری در پی دارد. با این وجود چنانچه برطرف کردن نیاز مؤمن در کفه ترازو و حج و عمره در کفه دیگر نهاده شود، از منظر روایات کفه ثواب و پاداش خدمت‌گزاری سنگین‌تر از حج و عمره است. ازاین‌رو نباید تنها ثواب را در حج و عمره

۱- مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج ۱۲، ص ۴۰۸.

ص:۲۷

دیـد؛ به قول معروف، گـاه حـج و عمره در کنـار خـانه انسـان است و او از آن بی‌خبر و گـاه شخصـی عـازم حـج است، درحالی‌که دسـتخوش ریـا، هوا و هوس و. . . است و در دسـتگیری از نیازمنـد بی‌توجه است. اگر عمق این دوگانگی را بشـکافی، ممکن اسـت تمایلات زیادی در آن نقش داشته باشد.

ابن بعیـد نقـل می‌کنـد که امام باقر علیه السـلام فرمود: «اگر من یک حـج به‌جا آورم، بیشتر دوست دارم تا بنـده‌ای آزاد کنم و تا ده بنده برشمرد و همچنان بر آن افزود تا به هفتاد بنده رسید» . سپس فرمود:

و اگر خانـدانی را از مسـلمانان سـرپرستی نمایم، گرسـنگانشان را سیر کنم، برهنگانشان را بپوشانم و آنان را از اظهار نیازمندی بین مردم بی‌نیاز سازم، نزد من پسندیده‌تر است تا اینکه به‌طور مکرر حج گزارم و تا ده حج و سپس تا هفتاد حج برشمرد.(۱)

مُشمَعِلّ اسدی می‌گوید:

سالی به حـج مشـرف شـدم. پس از بازگشت خدمت امام صادق علیه السـلام رسـیدم. امام از ثواب حج و پاداشـی که خدا در دنیا و آخرت برای حـج‌گزار قرار داده است برای من سـخن گفت. سـپس فرمود: «آیـا خـبر دهم تو را به چیزی که ثواب آن بیشـتر از همه اینهاست؟» عرض کردم: «بفرمایید» . فرمود:

«لَقَضاءُ حاجَةِ امْرِئٍ مُؤمنٍ أفضلُ مِنْ حَجَّةٍ و حَجَّةٍ و حَجَّةٍ حَتّی عَدَّ عَشَرَ حِجَجٍ» (۲)؛ «برآوردن حاجت مؤمن از حج‌های مکرر برتر و افضل است و تا ده حج برشمرد» .

این روایات بیدارباشی است به افرادی که هرسال به هر قیمتی حج و

۱- بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۵.

۲- همان، ج ۷۱، ص ۲۸۴.

ص:۲۸

عمره می‌روند، اما از دیگران گره‌گشایی نمی‌کنند.

از آنجا که رضای خدا از راه‌های زیاد حاصل می‌شود، اگر تمایل نفسانی در انگیزه سفر حج و عمره حاجیان هر ساله نقش ندارد، چرا هزینه یکسال سفر خود را برای یتیمان و مستمندان صرف نمی‌کنند؛ چون سیر و سفر و نام و عنوان، با خواسته دل او موافق است. ازاین‌رو آن را بر خدمت کردن ترجیح می‌دهد؛ چه‌بسا اعمالی که صورت شرعی دارد، ولی باطن آن هواپرستی است.

برتری خدمت‌گزاری از طواف و سعی

طواف کعبه و خواندن نماز در شریف‌ترین مکان، یعنی نزد مقام ابراهیم علیه السلام، به درجه فضیلت خدمت به زائران نمی‌رسد. در روایات آمده که روزی امام صادق علیه السلام در حال طواف کعبه دست یکی از یارانش را گرفت و درباره فضیلت طواف به او فرمود:

هرکس هفت بار دور کعبه طواف نماید، سپس نزد مقام ابراهیم علیه السلام نماز بگزارد، خداوند برایش هزار حسنه می‌نویسد و هزار گناه از او می‌زداید و او را هزار درجه بالا می‌برد و هزار فرصت شفاعت به او می‌بخشد.

سپس فرمود: «برآوردن نیاز یک نفر بهتر از هفت طواف است»(۱)و این عبارت را ده بار تکرار فرمود.

یکی از شیعیان گوید:

در مسجد الحرام مشغول طواف خانه خدا بودم. یکی از دوستانم از من درخواست دو دینار وام کرد. به او وعده دادم که پس از طواف

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۴۰۷.

ص:۲۹

حاجتش را برآورم. هنوز طوافم به پایان نرسیده بود که امام صادق علیه السلام وارد طواف شد، دست بر شانه‌ام نهاد و هر دو مشغول طواف شدیم. طواف من تمام شد، ولی به احترام امام صادق علیه السلام وی را همراهی کردم. آن مرد حاجتمند که در کناری نشسته بود و امام صادق علیه السلام را نمی‌شناخت، به خیال اینکه من حاجتش را فراموش کرده‌ام، هر بار که از مقابلش می‌گذشتم با دست اشاره می‌کرد. امام از من پرسید: «چرا این مرد به تو اشاره می‌کند؟» گفتم: «فدایت شوم او منتظر من است که پس از طواف نزد او بروم و وامی به او بدهم. چون دست مبارک شما بر شانه من است، خوش ندارم شما را ترک گویم» . امام‌صادق علیه السلام بدون لحظه‌ای درنگ دست از روی شانه من برداشت و فرمود: «مرا به حال خود واگذار و برو حاجت او را برآور» . من رفتم و کار او را اصلاح کردم. روز بعد امام صادق علیه السلام را دیدم که با اصحابش سخن می‌گفت. تا مرا دید، سخن خود را قطع کرد و گفت: «اگر برای برآوردن حاجت یکی از برادران مؤمن خود سعی کنم، نزد من بهتر است از آزاد کردن هزار بنده در راه خدا» .(۱)

خدمت‌رسانی برترین عمل

عملکرد انسان‌ها پس از ادای واجبات، هرکدام اهمیت و ارزش خاصی دارد. ولی هیچ‌یک همسنگ خدمت‌رسانی و تلاش برای حل مشکلات مردم نیست.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «ارزش و فضیلت کارهای نیک [از جمله

۱- سفینهٔ البحار، ج ۱، ص ۳۵۳.

ص:۳۰

خدمت‌رسانی] نزد خدا با هیچ عملی برابر نیست» .

همچنین می‌فرماید:

. . . انَّ فَضیلَةَ فِعْلِ المَعروفِ لا یَعدِلُها عِندَاللهِ سُبحانَهُ شَیءٌ.(۱)

همانا در پیشگاه پروردگار، هیچ عمل همپایه و همسنگ خدمت‌صادقانه و عمل خیرخواهانه نیست.

حضرت در جای دیگر می‌فرماید:

ثَلاثُ خِصالٍ هُنَّ مِن اَحبِّ الاَعمالِ اِلَی اللهِ تَعالی: اِطعامُ مُسلِمٍ مِنْ جُوعٍ أو فُکَّ عَنهُ کَرْبُهُ أو قُضِی عَنهُ دَینُه.(۲)

سه چیز از دوست‌داشتنی‌ترین کارها نزد خداوند است؛ سیر کردن مسلمان گرسنه، زدودن اندوه او و پرداخت بدهی او.

پیامبر (ص) خدمت به اقشار آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر جامعه را جزء بافضیلت‌ترین رفتار انسان شمرده و فرموده است:

مِن اَفضَلِ الاَعمالِ عِندَاللهِ إبرادُ الاَکبادِ الحارَّةِ وَ اِشْباعُ الاَکبادِ الجائِعَةِ. (۳)

از برترین اعمال نزد پروردگار، سیراب و خنک کردن جگرهای سوخته و سیر کردن شکم‌های گرسنه است.

مقام خدمت‌گزار نزد خدا

اسلام نه تنها خدمت‌رسانی را برترین کار دانسته، بلکه آن را باعث ارتقای معنوی و قرب الهی خدمت‌گزار می‌داند و بیش از آنچه در راه

۱- غرر الحکم، ج ۲، ص ۲۳۶.

۲- المحاسن، احمد بن محمد خالد برقی، ج ۲، ص ۳۸۸.

۳- سفینة البحار، ج ۱، ص ۱۹۶.

ص:۳۱

خدمت‌رسانی از آبرو و تلاش و. . . هزینه می‌کند، خودش بهره می‌برد؛ زیرا پیش از آنکه به نیازمند برسد، به دست خدای متعال می‌رسد؛ بدین جهت در سیره امامان معصوم علیهم السلام می‌خوانیم که وقتی چیزی می‌بخشیدند، آن را می‌بوسیدند و می‌بوییدند.

هنگامی که امام سجاد علیه السلام می‌خواست به نیازمند چیزی بدهد، ابتدا آن را می‌بوسید.(۱)امام باقر علیه السلام نیز آن را می‌بوسید و می‌فرمود: «پیش از آنکه کمک من به دست نیازمندان برسد، خداوند آن را دریافت می‌کند»(۲)و در حدیث دیگر از پیامبر (ص) آمده که خداوند فرموده است: وَ یَأْخُذُ الصَّدَقاتِ ؛ «خداوند صدقات را می گیرد» . (توبه:۱۰۴)(۳)

خدمت‌گزاری معیار انسانیت

امامان معصوم علیهم السلام نیز خیررسانی را ارزشمندترین عمل و بالاترین عبادت پس از واجبات می‌دانستند و پیروان خود را به آن تشویق و ترغیب می‌کردند و راه تقرب و جلب رضای خدا را در خدمت‌گزاری می‌دیدند و توفیق برطرف کردن نیاز دیگران را بزرگ‌ترین نعمت پروردگار به حساب می‌آوردند.

در مقابل بی‌تفاوتی در برابر درد و رنج مسلمانان را در حکم نامسلمانی دانسته و بدترین افراد را نیز همین گروه معرفی کرده‌اند.

علی بن شعیب می‌گوید: نزد امام رضا علیه السلام بودم. حضرت به من فرمود:

۱- ثواب الاعمال، ص ۱۴۲.

۲- سفینهٔ البحار، ج ۱، ص ۱۹۶.

۳- وسائل الشیعه، ج۶، ص۳۰۳.

ص:۳۲

«آیا می‌دانی بهترین و بدترین مردم از نظر زندگی کیست؟» گفتم: «مولای من، تو از من داناتری» . فرمود: کسی بهترین زندگی را دارد که از پرتو زندگی‌اش دیگران نیز به زندگی خوب و آرامی دست یابند. . . و بدترین مردم در زندگی کسی است که هیچ سود، خدمت و خیری از او به زندگی دیگران نرسد.(۱)

خدمت‌رسانی، برترین عبادت

شیطان قسم خورده است تا انسان را از مسیر بندگی خداوند خارج کند. ازاین‌رو هرچه عبادت مهم‌تر باشد، شیطان نیز بیشتر می‌کوشد تا بندگان را از فیض آن محروم کند. بنابراین چون خدمت‌رسانی بیشترین نقش را در تقرب به خداوند دارد، شیطان با دقت بیشتری در کمین خیرمندان می‌نشیند تا با ایجاد تردید و دودلی جلوی کار خیر را بگیرد و چنانچه موفق نشد، با وسوسه منت‌گزاری، این عبادت بزرگ را باطل کند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

انَّ لِلشَّیطانِ مَصائِدٌ. . . اَمّا مَصائِدُهُ فَصَدٌّ عَنْ بِرِّ الاِخوانِ. . . اِنَّه وَ ما یُعبَدُ اللهُ بِمِثْلِ نَقلِ الاِقدامِ إلی بِرِّ الاِخوانِ. (۲)

همانا شیطان کمین‌گاه‌هایی دارد که بندگان خدا را به دام انداخته و از راه خدا دور می‌کند. یکی از این وسایل منصرف کردن انسان از نیکی و خدمت‌رسانی به برادران است. . . و حال اینکه خداوند به عبادتی بالاتر از تلاش برای کمک‌رسانی به برادران و خدمت به آنها پرستش نشده است.

۱- ر. ک: تحف العقول، ص ۴۷۱.

۲- همان، ص ۳۱۳.

ص:۳۳

پیامبر (ص) فرمود: «عابدترین مردم آن کسی است که برای مردم خیرخواه‌تر و برای تمامی مسلمانان باصفاتر از بقیه باشد» .(۱)

آن حضرت (ص) در حدیثی دیگر می‌فرماید: «کسی که مشکلی از مشکلات برادر دینی خود را حل کند، مانند کسی است که همه عمر را عبادت کرده است» .(۲)

امیرمؤمنان علیه السلام به نقل از رسول خدا (ص) می‌فرماید:

مَنْ قَضی لأخیهِ المُؤمنِ حَاجةً کانَ کَمَنْ عَبَدَاللهَ دَهْرَه.(۳)

هر که برای برادر مؤمنش، مشکلی را حل کند، به سان کسی است که تمام عمرش، خدا را عبادت کرده است.

مردی از سفر حج برگشته بود و برای امام صادق علیه السلام جریان سفر خود را شرح می‌داد. یکی از همسفران خود را این‌گونه می‌ستود که چه مرد بزرگوار و شریفی بود و ما افتخار همراهی او را داشتیم؛ یکسره مشغول عبادت و طاعت بود. همین که به منزلی فرود می‌آمدیم، فوراً به گوشه‌ای می‌رفت و سجاده خود را پهن می‌کرد و به عبادت می‌پرداخت. امام صادق علیه السلام فرمود: «پس چه کسی کارهای او را انجام می‌داد؟» گفت: «البته افتخار این کارها با ما بود و او کاری به این کارها نداشت» . حضرت علیه السلام فرمود: «پس همه شما از او برتر بوده‌اید» (۴)

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۶۴.

۲- همان، صص ۱۶۳ و ۱۶۴.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۶۱.

۴- داستان راستان، مرتضی مطهری، ج ۱، ص ۱۰.

ص:۳۴

خدمت‌گزاری برتر از روزه و اعتکاف در مسجدالحرام

پیامبر اعظم (ص) همواره به پیروان اسلام یادآور می‌شد، پاداش دستگیری یکدیگر در گرفتاری‌ها و رفع حاجت نیازمندان، از روزه‌های مستحبی و از گذران ایام مخصوصی به عبادت در کنار خانه خدا، عظیم‌تر و نزد خدا فزون‌تر است.

امام صادق علیه السلام درباره برتری خدمت‌رسانی بر عبادت فرمود:

. . . وَلْیُعِنْ بَعضُکُم بَعضاً فَاِنَّ اَبانا رَسُولَ اللهِ (ص) کانَ یَقُولُ: اِنَّ مَعُونَةَ المُسلِمِ خَیرٌ وَ اَعظَمُ أجراً مِنْ صِیامِ شَهرٍ وَاعتِکافِهِ فِی المَسجِدِالحَرامِ. . . .(۱)

حتماً برخی از شما به یاری و خدمت برخی دیگر برخیزند. چه اینکه پدر ما رسول خدا (ص) همواره می‌فرمود: «یاری رساندن به مسلمان بهتر و پرارج‌تر از روزه یک ماه به همراه اعتکاف در مسجد الحرام است» .

امام صادق علیه السلام در جای دیگر فرمود:

مَن سَعی فی حاجَةِ اَخیهِ المُسلِمِ فَاجتَهَدَ فیها فَاَجْرَی اللهُ عَلی یَدَیهِ قَضاءَها کَتَبَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ حَجَّةً وَ عُمرةً وَاعتِکافَ شَهرَینِ فی المَسجِدِ الحَرامِ وَ صیامَهُما وَ اِنِ اجْتَهَدَ فیها وَ لَمْ یُجْرِاللهُ قَضاءَها عَلی یَدَیه کَتَبَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ حَجَّةً وَ عُمرَةً.(۲)

کسی که برای برآوردن حاجت و نیاز برادر مسلمان خود تلاش کند و خدا آن حاجت را به دست او برآورده سازد، ثواب یک حج و یک عمره و دو ماه اعتکاف با روزه را در مسجدالحرام برای او می‌نویسد و اگر درباره آن حاجت تلاش کند و خداوند آن

۱- کافی، ج ۸، ص ۹؛ بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۱۷؛ الحیاة، ج ۶، صص ۱۴۳ و ۱۴۴.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۸.

ص:۳۵

خواسته را به دست تلاش کننده برآورده نسازد، باز برای او ثواب یک حج و یک عمره را خواهد نوشت.

خدمت‌گزاری شرط قبولی نماز

در بین تکالیف الهی، نماز بالاترین جایگاه را دارد و از آن به عمود دین، رأس اسلام، معراج مؤمن و کلید بهشت تعبیر می‌شود(۱)؛ اما شرط پذیرش آن نیز یاری بیچارگان معرفی شده است. امام صادق علیه السلام خطاب به جندب گوید: خداوند متعال می‌فرماید:

إِنَّما أَقْبَلُ الصَّلاةَ مِمَّنْ یَتَواضَعُ لِعَظَمَتِی. . . وَ یُطْعِمُ الجائِعَ وَ یَکْسُوا العارِیَ وَ یُؤْوی الغَرِیبَ. . .(۲)

همانا من نماز کسی را قبول می‌کنم که در مقابل عظمت من متواضع باشد. . . و کسی که گرسنگان را اطعام کند و برهنگان را بپوشاند و افراد بی‌پناه را پناه دهد.

در قرآن کریم به همان اندازه که به ایمان، تقوا، طاعت الهی و نماز بها داده شده، به انفاق نیز سفارش شده است؛ خداوند در قرآن می‌فرماید:

آمِنُوا بِاللهِ. . . وَ أَنْفِقُوا (حدید:۷)

به خدا ایمان بیاورید. . . و انفاق کنید.

یُقِیمُوا الصَّلاةَ وَ یُنْفِقُوا. . . (ابراهیم:۳۱)

نماز را به پا دارند و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم، پنهان و آشکار، انفاق کنند؛ . . .

۱- نهج الفصاحه، ص ۳۳۲؛ کلید بهشت، صادق حسن زاده، ص ۱۴۷.

۲- تحف العقول، ص ۲۲۶.

ص:۳۶

یُقِیمُونَ الصَّلاهَ وَ مِمَّا رَزَقْناهُمْ یُنْفِقُونَ (بقره:۳)

نماز را برپا می‌دارند و از نعمت‌هایی که به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند.

إِلَّا الْمُصَلِّینَ * الَّذِینَ هُمْ عَلی صَلاتِهِمْ دائِمُونَ * وَ الَّذِینَ فِی أَمْوالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ * لِلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ (معارج: ۲۲- ۲۵)

مگر نمازگزاران. کسانی که نمازهایشان را دائماً به‌جا می‌آورند. و کسانی که در اموالشان حق معینی است برای سائل و محروم.

امـام صادق علیه السـلام فرمود: «منظور از حق معلوم زکات نیست، بلکه بخشـی از مال است که هر هفته یا [هر] ماه به مقـدار وسع و توان به نیازمندان می‌دهند» .(۱)

همان‌گونه که نماز کلیـد بهشت است، انفاق کردن هم کلیـد بهشت است. در مقابل، همان‌گونه که ترک نماز مجازات جهنم دارد، بی‌توجهی به نیازمندان نیز انسان را به جهنم می‌کشاند.

در قرآن کریم می‌خوانیم که از اهل دوزخ می‌پرسـند: «چه چیز شـما را به جهنم افکنـد» . می‌گوینـد: «دو چیز ما را به جهنم کشانـد: ترک نماز و ترک دستگیری از نیازمندان» .

ما سَلَکَکُمْ فِی سَقَرَ * قالُوا لَمْ نَکُ مِنَ الْمُصَلِّینَ * وَ لَمْ نَکُ نُطْعِمُ الْمِسْکِینَ (مدثر:۴۲ - ۴۴)

چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟ می‌گویند: ما از نمازگزاران نبودیم و اطعام مستمند نمی‌کردیم.

۱- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۱.

ص:۳۷

خدمت‌رسانی معادل شب زنده‌داری

نماز، استغفار و توبه در دل شب، از ارزش‌های عالی معنوی است و سبب خشنودی خدا و جذب محبت فرشتگان الهی می‌شود. شب‌زنده‌داری و نماز شب محبوب انبیا، به‌ویژه پیامبر اکرم (ص) بوده است. برترین بهشت‌ها که بهشت لقا و وصول به آستان محبوب ازلی است، با نماز در شب به دست می‌آید.

نزد خداوند، پاداش تقواپیشگان و شب‌زنده‌داران با مددجویان، یکسان است؛ چنان‌که می‌فرماید:

الَّذِینَ یَقُولُونَ رَبَّنا إِنَّنا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَ قِنا عَذابَ النَّارِ * الصَّابِرِینَ وَ الصَّادِقِینَ وَ الْقانِتِینَ وَ الْمُنْفِقِینَ وَ الْمُسْتَغْفِرِینَ بِالأَسْحارِ (آل‌عمران:۱۶ و ۱۷)

کسانی که می گویند: پروردگارا ما ایمان آورده‌ایم، پس گناهان ما را بر ما ببخش، و ما را از عذاب دوزخ، نگاه دار. آنها که [در مسیر اطاعت و ترک گناه] استقامت می‌ورزند، راستگو هستند؛ [در برابر خدا] خضوع، و [در راه او] انفاق می کنند و در سحرگاهان از خداوند آمرزش می‌طلبند.

خداوند در آیه‌ای دیگر در بیان اهمیت خدمت‌رسانی و هم‌سطحی آن با عبادات سحرگاهی می‌فرماید:

تَتَجافی جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضاجِعِ یَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفاً وَ طَمَعاً وَ مِمَّا رَزَقْناهُمْ یُنْفِقُونَ * فَلا تَعْلَمُ نَفْسٌ ما أُخْفِی لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْیُنٍ جَزاءً بِما کانُوا یَعْمَلُونَ (سجده: ۱۶ و ۱۷)

پهلوهایشان از بستر دور می‌شود [و شبانگاه به‌پا می‌خیزند و رو به

ص:۳۸

درگاه خدا می‌آورند] و پروردگار خود را با بیم و امید می‌خوانند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند. هیچ‌کس نمی‌داند چه پاداش‌های مهمی که مایهٔ روشنی چشم‌هاست برای آنها نهفته شده، به پاداش کارهایی که انجام می‌دادند.

ص:۳۹

فصل سوم: اسوه‌های خدمت‌رسانی به زائران

اشاره

ص:۴۰

ص:۴۱

سیره عملی پیشوایان معصوم علیهم السلام و علمای وارسته، رسیدگی به نیازمندان بوده و بخشی از حیات پربرکت آنان، برای خدمت به مردم سپری می‌شده است. گفتنی است این شیوه بزرگان مربوط به شرایط ویژه نبوده است. همان‌گونه که پیامبر (ص) ، امام علی علیه السلام و امام حسن مجتبی علیه السلام حاکمیت داشتند و در خدمت به مردم کوشا بودند، امام سجاد علیه السلام، امام محمد باقر علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام هم که تحت فشار حکومت‌های وقت زندگی می‌کردند، به افراد محتاج کمک می‌کردند. این بیانگر آن است که وظیفه رسیدگی به افراد نیازمند، تحت تأثیر شرایط قرار نمی‌گیرد.

امام علی علیه السلام و رفع نیاز گرفتاران در کنار کعبه

زمانی امیرمؤمنان علیه السلام برای انجام دادن امور جاری خویش وارد مکه شد و چون مقید بود که ابتدا به مسجدالحرام برود، هنگام ورود، مرد عربی را دید که پرده کعبه را گرفته و با حالت درماندگی چنین می‌گوید:

خدایا، خانه، خانه توست و من میهمانت هستم. خدایا، رسم است که میزبان به نوعی از میهمان پذیرایی کرده و او را اطعام کند. خدایا من از تو، مغفرت و بخشش می‌خواهم.

ص:۴۲

بـا دیـدن امیرمؤمنان علیه السـلام عـده‌ای از اصـحاب گرد او جمع شـده، درحالی که ناله‌های مرد عرب را می‌شـنیدند. در این هنگام امیرمؤمنان علیه السلام رو به اصحاب کرد و فرمود: «خداوند کریم‌تر از آن است که میهمان خویش را رد کند» .

شب دوم، همان مرد عرب را دیدند که دوباره در کنار کعبه التماس می‌کند و می‌گوید:

ای خداونـد صاحب عزت که هیـچ عزتی بالاتر از آن نیست، مرا نیز عزت و سـربلندی بده که بالاتر از آن نباشد. خدایا من به تو رو کرده و متوسل به محمد و آل محمد (ص) هستم تا به من عطا کنی، به نحوی که به کسی تاکنون چنین عطایی نکرده باشی و از من هرچه سوء و بدی است دور بگردانی.

در این هنگام حضرت علی علیه السلام فرمود:

به خـدا قسم، این لحن دعـا به لفظ سـریانی است که حبیبم رسول‌خـدا (ص) مرا از آن آگاه کرده است. این مرد در واقع با این لفظ خواهان بهشتی ابدی بوده و خواستار دور بودن آتش جهنم است و به خدا قسم هر دو خواسته او پذیرفته شد.

آری چون نظر امیرمؤمنان علیه السـلام به این واقعه جلب شـد، در شب سوم نیز در همان مکان حاضـر شـد و همان مرد عرب را دید کهماننـد دو شب گذشـته، مشـغول راز و نیاز و مناجات با محبوب کریم است. او می‌گفت: «ای خدایی که در همه جا هستی و هیچ جا از تو خالی نیست، من به چهار هزار درهم نیاز دارم» . او همین‌طور دعا می‌کرد که حضرت علی علیه السلام جلو رفت و فرمود:

ص:۴۳

ای مرد عرب، از خداوند طلب بخشش کردی، اجابت نمود. از او بهشت خواستی به تو داد و دوری از آتش جهنم را درخواست کردی و اجابت کرد. امشب چهار هزار درهم را برای چه می‌خواهی؟

مرد عرب پرسید: «شما که هستید؟» همین که حضرت خودش را معرفی کرد، آن شخص مسرور و شادمان شد و عرض کرد: «به خدا قسم، تو محل حاجت من هستی» . حضرت فرمود: «هرچه می‌خواهی بگو» . مرد عرب عرض کرد:

از چهار هزار درهم، هزار درهم برای مهر ازدواج، هزار درهم برای ادای قرض، هزار درهم برای خرید منزل و هزار درهم باقیمانده را برای ادامه امور زندگی‌ام می‌خواهم.(۱)

حضرت فرمود: «درخواست منصفانه‌ای داری. پس از اینکه از مکه درآمدی به مدینه بیا و در آنجا میهمان شو تا خواسته‌ات را برآورم» .

مرد عرب پس از یک هفته اقامت در مکه، به مدینه رفت و در میان مردم، با صدای بلند پرسید: «کسیت که مرا به خانه امیرمؤمنان علی‌بن‌ابی‌طالب علیه السلام راهنمایی کند؟» .

در این هنگام امام حسین علیه السلام که در سنین کودکی بود، پیش رفت و فرمود: «ای مرد عرب، من فرزند امیرمؤمنان علیه السلام هستم و تو را به خانه‌مان راهنمایی خواهم کرد» . مرد عرب نگاهی به صورت نورانی امام‌حسین علیه السلام کرد و محبت امام در دلش نشست. خواست که بیشتر با آن حضرت سخن گوید. بنابراین پرسید: «مادرت کیست؟»

۱- به همین مناسبت است که در روایات وارد شده که خرج عروسی، تشرف به حج و خرید خانه را خداوند ضمانت کرده است.

ص:۴۴

امام‌حسین علیه السلام پاسخ داد: «مادرم فاطمه علیهاالسلام، برترین زنان عالم است» . مرد عرب پرسید: «نام جدت چیست؟» امام فرمود: «جد من، محمد رسول خدا (ص) فرزند عبدالله‌بن عبدالمطلب و جده‌ام خدیجه علیهاالسلام دختر خویلد است» . آن مرد که شیفته امام حسین علیه السلام شده بود، همین‌طور از نسب وی می‌پرسید تا به در خانه رسیدند.

مرد عرب به امام حسین علیه السلام عرض کرد: «به پدرت امیرمؤمنان علیه السلام بگو که مرد عربی را که در مکه دیدی، آمده است» . امیرمؤمنان علیه السلام پس از مطلع شدن از همسرش پرسید: «آیا پولی در خانه داریم؟» حضرت زهرا علیهاالسلام پاسخ داد: «خیر» . امیرمؤمنان علیه السلام سلمان را به حضور طلبید و به او فرمود: «باغی را که به اهل بیت علیهم السلام تعلق دارد، بفروش» . سلمان به فاصله اندکی، باغ را به دوازده هزار درهم فروخت و پول آن را حاضر کرد. امیرمؤمنان علیه السلام حاجت مرد عرب را برآورد و باقی پول را نیز خرج نیازمندان و امور دیگر کرد.(۱)

آری، اهل‌بیت علیهم السلام با این‌گونه ایثارها سرمشق انسان‌ها و الگوی حقیقی جود و کرم و فضیلت بودند و به همین جهت آیاتی در وصف ایثار اهل‌بیت علیهم السلام در قرآن کریم، نازل شده است.

رفع گرفتاری یک مؤمن در حال طواف

امام زین‌العابدین علیه السلام می‌فرماید:

روزی امام مجتبی علیه السلام عازم حج شده، مشغول طواف بود که

۱- حلیهٔ الابرار، بحرانی، ج۱، صص ۳۷۵ - ۳۷۸؛ به نقل از امالی شیخ صدوق با اندکی تصرف ، ضمناً دنباله روایت به دلیل طولانی‌بودن ذکر نشد.

ص:۴۵

شخصی جلو آمده و از گرفتاری خویش گفت و از آن حضرت خواست که برای رفع آن، همراه او بیاید. حضرت با خوشرویی به دنبال او رفت و پس از برطرف کردن مشکل او بازگشت. ناگاه یک شخص جاهل که به فرد گرفتار حسودی می‌کرد، پیش آمده و به حالت اعتراض به امام مجتبی علیه السلام عرض کرد: « ای پسر رسول‌خدا! طواف را به خاطر رفع گرفتاری او ترک کردی» ؟ ! امام فرمود: «چگونه برای حل مشکل او نمی‌رفتم، درحالی‌که جدم رسول الله (ص) فرمود: کسی که برای حل مشکل برادر مسلمان خویش برود، برای او ثواب یک حج و عمره منظور شود و اگر رفته و موفق به رفع گرفتاری او نشود نیز از ثواب یک عمره بهره‌مند خواهد بود. حال که به دنبال شخص گرفتار رفتم، هم ثواب یک حج و عمره‌ای را کسب کرده و هم به ادامه طواف بازگشتم» .(۱)

داستانی دیگر از حج امام حسن علیه السلام

در یکی از سال‌ها، امام حسن علیه السلام به همراه برادرش امام حسین علیه السلام و پسر عمویش عبدالله بن جعفر (همسر حضرت زینب علیهاالسلام) عازم مراسم حج شدند. گرمی هوا باعث غلبه تشنگی بر ایشان شد و در صحراهای اطراف مکه چادری را از دور دیدند. آنها به‌سوی خیمه رفتند و آن را

۱) .

۱- پیامبر ص فرمود: «مَنْ ذَهبَ فی حاجةِ اخیهِ المُسْلِمِ فَقُضِیَتْ حاجتُهُ کُتِبَتْ له حَجّةٌ و عُمرةٌ و انْ لَم تُقْضَ لَه کُتبتْ له عُمرةٌ» ؛ «کسی که در پی رفع حاجت برادر مسلمانش باشد و حاجتش برآورده شود، ثواب یک حج و عمره برایش نوشته می‌شود و اگر حاجتش برآورده نشد، ثواب یک عمره برایش نوشته می‌شود» . حج الانبیاء و الائمه علیهم السلام، ص ۲۵۶.

ص:۴۶

متعلق به پیرمرد و پیرزنی دیدند. پیرمرد، در خانه نبود و پیرزن آنها را با مهربانی و درحالی‌که نمی‌شناخت، گرامی داشت و با شیر و سپس با گوشت گوسفندی که همه موجودی‌شان بود از آنها پذیرایی کرد. حسنین علیهماالسلام و عبدالله بن جعفر خود را از قریش معرفی کرده و به پیرزن گفتند: «هر زمان که مدینه آمدید نزد ما بیایید» . سپس از وی خداحافظی کرده و رفتند. بعد از مدت کوتاهی شوهر پیرزن به خانه آمد. آنها پس از مدتی به مدینه آمدند و روزهایی را در آن شهر گذرانیدند.

روزی پیرزن در یکی از کوچه‌های مدینه امام حسن و برادرش امام‌حسین علیهماالسلام و همچنین عبدالله بن جعفر را دید. آنها او را به نیکی اکرام کرده و گوسفندان فراوان و پول زیادی در پاسخ به احسان و نیکی وی به او بخشیدند.(۱)

آموزش مناسک حج

مردی از امیرمؤمنان علیه السلام پرسید: «در حال احرام بودم که شترم به سمت تعدادی از تخم‌های شترمرغی رفت و تعدادی از آنها را شکست. آیا به گردنم کفاره است؟» حضرت او را نزد فرزندش امام حسن علیه السلام فرستاد. امام در پاسخ فرمود:

بر تو واجب است که شتر خویش را به سمت ماده شترها ببری و هر تعداد که تخم شترمرغ شکسته شده، به ازای آن، هرچه بچه شتر متولد شد، به عنوان قربانی بیت الله بدهی.

۱- مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۷؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۴۲؛ عوالم، ج ۱۶، ص۱۱۳؛ به نقل از: حج الانبیاء و الائمه علیهم السلام، ص ۲۵۹؛ حلیة الابرار، ج ۱، ص ۵۲۶.

ص:۴۷

امیرمؤمنان علیه السلام پس از شنیدن پاسخ فرزندش امام حسن علیه السلام فرمود: «فرزندم چگونه این پاسخ را دادی حال آنکه شاید از بچه شترها تعدادی زنده مانده و تعدادی نیز (در حین تولد یا بعد از آن) از بین بروند؟ !» .

امام مجتبی علیه السلام عرض کرد: «پدر جان، همین مسئله در مورد تخم‌های شکسته شده شترمرغ است؛ یعنی ممکن بود تعدادی به جوجه تبدیل شود و تعدادی نیز نشود» . امیر مؤمنان علیه السلام از این پاسخ خردمندانه که بر مبنای علم وسیع الهی بود، متعجب شد، تبسم کرد و فرمود: «راست گفتی ای فرزندم» و سپس این آیه را که خداوند در وصف فرزندان و ذریه پیامبران، به خصوص حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود، تلاوت کرد که فرزندانی هستند که بعضی از ایشان از نسل برخی دیگرند که همانا خداوند به همه احوال آشنا و آگاه است.(۱)

پاسخ احسان

در یکی از مسافرت‌های حج، پاهای مبارک امام حسن علیه السلام در اثر پیاده‌روی، ورم کرد. اطرافیان پیشنهاد کردند تا مدتی حضرت استراحت کند و کاروان متوقف شود تا پاهای مبارک وی تسکین یابد. امام فرمود: «مقداری جلوتر برویم» . سپس رو به خدمتکارش کرد و فرمود: «فردی را به زودی در مسیر خواهیم دید. او روغنی همراه دارد. از وی مقداری بخر و نزد من بیاور» . پس از طی مسیری، به محلی رسیده و شخصی را با همان مشخصات که آن حضرت فرموده بود، دیدند. وقتی غلام

۱- ذُرِّيَّةً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ وَ اللهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ آل عمران: ۳۴ ؛ حلیهٔ الابرار، ج ۱، ص۵۱۳.

ص:۴۸

حضرت مجتبی علیه السلام، روغن ورم را از وی گرفت، او پرسید: «برای چه کسی می‌خواهی؟» غلام پاسخ داد: «برای امام حسن بن علی علیهماالسلام و برای تسکین ورم پای ایشان می‌خواهم» .

مرد صاحب روغن گفت: «پس پول نمی‌خواهم، مرا نزد امام ببر» .

این شخص خدمت امام رسید و عرض کرد:

پدر و مادرم به فدایت، من در قبال این خدمت ناچیز پول نمی‌خواهم. فقط از شما تقاضا دارم که از خدا بخواهید به من فرزندی که دوستدار و پیرو واقعی شما اهل بیت علیهم السلام باشد، عنایت کند؛ زیرا هنگامی که از منزل و شهر خویش حرکت کردم نزدیک وضع حمل همسرم بود.

امام فرمود: «به منزلت بازگرد که همانا خداوند فرزندی نیکو به تو خواهد داد که از شیعیان ما خواهد گردید» . (۱)

در روایت زهری نقل شده است که امام زین‌العابدین علیه السلام از من پرسید: «فکر می‌کنی امسال چه تعداد حاجی در مراسم و اعمال حج شرکت کرده باشند؟» عرض کردم: «هزاران هزار انسان هستند که به قصد حج بیت الله آمده و در بارگاه الهی ضجه و ناله می‌کنند» . حضرت فرمود: «ای زهری، بدان که ضجه‌زننده فراوان و حاجی حقیقی به غایت اندک و کم است» .(۲)

۱- حلیهٔ الابرار، ج ۱، ص ۵۲۱.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۹. نکته درخور اهمیت این است که علاوه بر اینکه همیشه مؤمنان حقیقی در اقلیت هستند، اما بالاتر از اینها حج بی‌ولایت نیز حج نیست، بلکه یک سلسله اعمال بدون جهت است.

ص:۴۹

ناشناسی در قافله مکه

آن سال کاروانی که عازم مکه بود، چند روزی در مدینه توقف کرد. در این شهر صالحی از تبار صالحان به این قافله پیوست که کاروانیان وی را نمی‌شناختند. پس از مدت کوتاهی این کاروان به سمت مکه به راه افتاد. مردی در بین راه مدینه به مکه به این کاروان ملحق شد و دید که آن انسان صالح به خدمت اهل قافله مشغول است. از اهل قافله پرسید: «آیا این شخص را که این‌گونه به خدمت شما مشغول است، می‌شناسید؟» اهل کاروان پاسخ دادند: «او در مدینه به ما پیوسته و بنابر خواسته خودش به اهل کاروان خدمت می‌کند» . آن مرد گفت: «بله اگر او را می‌شناختید هرگز چنین گستاخی در حق او روا نمی‌داشتید که شما را خدمت کند؛ او علی بن الحسین علیهماالسلام است» .

ناگاه اهل کاروان به‌سوی امام شتافتند و به روی دست و پای او افتادند. آنها از حضرت عذرخواهی کرده، عرض کردند: «ای پسر رسول‌خدا (ص) ، چرا با ما چنین رفتاری کردید؟ ! ممکن بود از سر نشناختن شما جسارتی از ما سر می‌زد» .

امام با خوشرویی پاسخ داد:

من خودم عمداً کاروان شما را برای مسافرت حج انتخاب کردم؛ چون مرا نمی‌شناختید؛ زیرا گاهی با کاروانی می‌روم که عطوفت فراوانی در حق من روا می‌دارند و مانع آن می‌شود که من نیز به فیض سعادت خدمت به همسفران نائل شوم.

کاروانیان از این همه بزرگی، صفا و معرفت آن حضرت در شگفت

ص:۵۰

شدند و از سوی دیگر، از اینکه سعادت همسفر بودن با آن حضرت را پیدا کرده بودند، در پوست خود نمی گنجیدند.(۱)

بیان پاره‌ای از اسرار مناسک (خدمت فرهنگی)

امام زین‌العابدین علیه السلام با یکی از انسان‌های متدین زمان خویش به نام شبلی گفت‌وگویی داشته است. این شخص از شیفتگان ولایت ائمه هدی علیهم السـلام بود. در این مذاکره و پرسـش و پاسخ، آن حضـرت به اسرار مهمی از مناسک حج اشاره کرده است که بـا توجه به متن روایت، تنهـا اسـرار ذکر می گردد. آن حضـرت به شـبلی و بلکه به تمـامی انسان‌های مؤمن و آزاده‌ای که بعـدها موفق به تشرف به مکه می گردند، فرموده و آنها را با معارف حج آشنا کرده است.

حج امام در کودکی

امـام صـادق علیه السـلام از حـج خویش در ایام کودکی، داسـتانی را برای ابوبصـیر که از راویان مورد اعتماد اخبار ایشان بود، بیان کرد. امام علیه السلام فرمود:

من با شوق و ذوق خاصـی مشغول طواف بودم و سپس با کوشش فوق العاده‌ای عبادت می کردم و [از فرط رکوع و سجود و تلاوت قرآن] عرق از سـر و رویم می‌ریخت. ناگاه پـدرم مرا دیـد و از این حالتی که خودم را به رنـج و زحمت انـداخته بودم، تعجب کرد. بنابراین به سمت من آمد و فرمود: «فرزندم، خداوند وقتی بنده‌ای را دوست بدارد، او را داخل بهشت برین خویش خواهد کرد و

۱- وسائل الشیعه، ج۸، ص۳۱۵.

ص:۵۱

عمل کم را نیز از او می‌پذیرد [بنابراین بیش از حد طاقت، زحمت مکش و خود را به سختی میانداز].(۱)

برخورد امام صادق علیه السلام با مرد فقیر در حج

یکی از یاران حضرت امام صادق علیه السلام به نام مِسْمَعِ بنِ عَبدُالملک می‌گفت که سالی توفیق شرکت در مراسم حج را به همراه امام صادق علیه السلام به دست آوردم. در یکی از روزها که همراه آن حضرت در صحرای منا و در خیمه‌ای نشسته بودیم، فرد مستمندی آمد و چیزی خواست. امام از طبق انگوری که در جلوی‌مان بود، خوشه‌هایی برداشت و به فرد فقیر داد. اما او نپذیرفت و عرض کرد: «درهم می‌خواهم» . حضرت به او فرمود: «خداوند وسعت دهد» . (در واقع امام با این کلام می‌خواست درسی به مرد فقیر بدهد که نبایستی احسان را رد کرد) .

بعد از مدت کوتاهی، فقیر دیگری آمد و درخواستی کرد. امام خوشه انگوری به او داد. مرد فقیر سر به آسمان گرفت و گفت: «الحمدلله رب العالمین» . امام مقدار دیگری به او داد و آن مرد دوباره حمد خداوند را به جا آورد. امام که از نحوه برخورد و ادب شخص فقیر خوشش آمد و آن را مطابق ادب الهی دید، رو به غلام خود کرد و فرمود: «چه مقدار درهم نزد توست؟» غلام پاسخ داد: «بیست درهم» . حضرت دستور داد که آن را به مرد سائل بدهد. آن مرد وقتی پول را گرفت، ضمن ستایش خداوند به راه افتاد. حضرت به او اشاره کرد که بماند. آن‌گاه پیراهنی از خود به وی

۱- کافی، ج ۲، ص ۸۶؛ حلیة الابرار، ج۲، ص۱۷۲؛ بحارالانوار، ج۴۷، ص۵۵.

ص:۵۲

بخشید. سائل رو به آسمان کرد و گفت: «سپاس خداوندی که مرا پوشاند» . سپس عرض نمود: «خداوند به شما جزای خیر عنایت کند» .(۱)

این مسئله نشان می‌دهد که اگر انسان به قسمت الهی راضی باشد، خداوند روزی‌اش را دوچندان می‌کند و از جایی که فکر نمی‌کند به او خواهد رساند و امام صادق علیه السلام با این برخورد، این شیوه اخلاقی را تحسین نمود.

قطع طواف به خاطر حاجت مؤمن

ابان بن تغلب روایت می‌کند که همراه امام صادق علیه السلام در حال انجام طواف بودم. در همان هنگام مردی نزد من آمد و درحالی‌که از صورتش ناراحتی نمایان بود، از من خواست برای رفع گرفتاری او به دنبالش بروم. حضرت صادق علیه السلام متوجه من شده و پرسید: «ای ابان، این مرد کیست و چه می‌گوید؟» عرض کردم: «شخصی از شیعیان شما و مسلمانی است که مشکلی دارد و از من تقاضای رفتن به دنبال گرفتاری‌اش را دارد» . حضرت فرمود: «شایسته است که طواف را قطع کنی و همراه او بروی» . من با تعجب عرض کردم: «اما یابن رسول الله من هنوز طوافم را به پایان نرسانده‌ام» . حضرت فرمود: «مانعی ندارد، آنچه از طواف به‌جا آورده‌ای به‌خاطر سپرده و پس از بازگشت دنباله آن را به‌جا آور» . ابان می‌گوید: «پرسیدم، آیا اگر طواف واجب هم باشد، جائز است؟» حضرت فرمود: «آری» .(۲)

۱- کافی، ج۴، ص۴۹؛ وسائل الشیعه، ج۹، ص۳۹۱؛ حلیة الابرار، ج۴، ص۹۱؛ بحارالانوار، ج۴۷، ص۴۲.

۲- تهذیب، ج ۵، ص ۱۲۰؛ به نقل از: حج الانبیاء و الائمه علیهم السلام، ص ۳۸۱.

ص:۵۳

فصل چهارم: انواع خدمت‌گزاری

اشاره

ص:۵۴

ص:۵۵

اسلام تمام اعضای جامعه را در برابر هم مسئول می‌داند؛ چنان‌که خداوند آشکارا در آیه کریمه تَعاوَنُوا عَلَی الْبِرِّ وَ التَّقْوی (مائده: ۲) به خدمت‌رسانی مادی و معنوی امر کرده است. این آیه همیاری را در ردیف دیگر واجبات الهی، مبنای خدمت‌گزاری قرار داده است.

از عموم و اطلاق آیه استفاده می‌شود، تعاون، کمک و خدمت، تمام عرصه‌های مادی، معنوی، فردی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، علمی، حقوقی و قضایی را شامل می‌شود و محدود به قلمرو خاص یا موضوع ویژه‌ای نیست.

بنابراین اگر مسلمانی در هر نقطه از جهان اسلام، گرفتار شود، باید دیگر مسلمانان به یاری‌اش بشتابند و نیازهایش را تأمین کنند.

در قرآن به بعضی از مصادیق نیکی اشاره شده است؛ از جمله:

لکِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الآخِرِ وَ الْمَلائِکَهِٔ وَ الْکِتابِ وَ النَّبِیِّینَ وَ آتَی الْمالَ عَلی حُبِّهِ ذَوِی الْقُرْبی وَ الْیَتامی وَ الْمَساکِینَ وَ ابْنَ السَّبِیلِ وَ السَّائِلِینَ وَ فِی الرِّقابِ (بقره:۱۷۷)

بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز واپسین و فرشتگان و کتاب خدا و پیامبران ایمان آورده و مال خود را با همه علاقه‌ای

ص:۵۶

که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و واماندگان در سفر و سائلان و بردگان انفاق می کند.

و در آیه دیگر خداوند در توصیف نیکوکاران می‌فرماید:

وَ یُطْعِمُونَ الطَّعامَ عَلی حُبِّهِ مِسْکِیناً وَ یَتِیماً وَ أَسِیراً * إِنَّما نُطْعِمُکُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لا نُرِیدُ مِنْکُمْ جَزاءً وَ لا شُکُوراً (انسان:۸و۹)

و غذای [خود] را با اینکه به آن علاقه [و نیاز] دارند، به «مستمند» و «یتیم» و «اسیر» اطعام می کنند. [و می گویند]: ما شما را به خاطر خدا اطعام می کنیم و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم.

در آیات مربوط به انصار و مهاجرین می‌خوانیم:

یُحِبُّونَ مَنْ هاجَرَ إِلَیْهِمْ وَ لا یَجِدُونَ فِی صُدُورِهِمْ حاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَ یُؤْثِرُونَ عَلی أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ کانَ بِهِمْ خَصاصَةٌ (حشر:۹)

کسانی را که به‌سوی‌شان هجرت کنند، دوست می‌دارند و در دل خود نیازی به آنچه به مهاجران داده شده، احساس نمی کنند و آنها را بر خود مقدم می‌دارند؛ هرچند خودشان بسیار نیازمند باشند.

خدمات معنوی

اشاره

خدمت تنها در کمك مالی نیست. خدمات معنوی نیز در شمار عمل صالح است. می توان با خدمات اعضا و جوارح, هدایت و راهنمایی مردم و تأمین آرامش و آسایش دیگران، بر ذخیره صدقات خویش افزود.

رسول خدا (ص) فرمود:

«إنَّ عَلی کُلِّ مُسلِمٍ فی کُلِّ یَومٍ صَدَقَةً»(۱)؛ «هر مسلمانی باید هر روز صدقه‌ای بدهد» .

۱- مستدرك الوسائل، ج۷، ص۲۴۳.

ص:۵۷

برخی اصحاب با شگفتی از حضرت پرسیدند: «یا رسول الله! چه کسی توان این کار را دارد؟» حضرت برای رفع ابهام و اینکه صدقه تنها انفاق با مال نیست، فرمود:

اِماطَتُکَ الاَذی عَنِ الطَّریقِ صَدَقَةٌ وَ إرْشادُکَ الرَّجُلَ اِلَی الطَّریقِ صَدَقَةٌ وَ عِیادَتُکَ الْمَریضَ صَدَقَةٌ وَ أمْرُکَ بِالْمَعرُوفِ صَدَقَةٌ وَ نَهْیُکَ عَنِ الْمُنْکَرِ صَدَقَةٌ وَ رَدُّکَ السَّلامَ صَدَقَةٌ. (۱)

برداشتن موانع راه که آزار می‌رساند، صدقه است. نشان دادن راه به کسی صدقه است. عیادت مریض صدقه است. امر به معروف کردن صدقه است. نهی از منکر کردن صدقه است. پاسخ سلام دادن صدقه است.

۱. خدمات فرهنگی و آموزشی

این نوع خدمات شامل اصلاح بینش، باور، فکر، اخلاق و رفتار مردم می‌شود. تعلیم و تربیت و ساماندهی اخلاق مردم، جزء مهم‌ترین خدمات فردی و اجتماعی است. این نوع خدمات جزو حقوق مردم و در درجه اول، بر عهده حکومت و دولت اسلامی است.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

اَیُّهَا النَّاسُ اِنَّ لِی عَلَیْکُمْ حَقّاً ولَکُمْ عَلیَّ حَقٌّ فَأمّا حَقُّکُم عَلَی فَالنَّصِیحَةُ لَکُم. . . وَ تَعْلِیمُکُمْ کَیْلا تَجْهَلُوا وَتأدِیْبُکُمْ کَیْما تَعْلَموُا. . . . (۲)

ای مردم مرا بر شما حقی است و نیز شما را بر من حقی است. اما

۱- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۵۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۴۲.

۲- بحارالانوار، ج۲۷، ص ۲۵۱.

ص:۵۸

حق شما بر من آن است که خیرخواهی و نصیحتتان کنم و آموزشتان دهم تا از ظلمت جهل برهید و تربیتتان کنم تا آگاه شوید.

رسول اکرم (ص) در حکمی که برای «معاذ بن جبل» هنگام اعزام به یمن نوشت، فرمود:

ای معاذ، کتاب خدا را به مردم بیاموز. آنان را به اخلاق نیکو تربیت کن. معلمان و مربیانی را هم به میان مردم [برای اصلاح بینش و اخلاق آنان] اعزام نما.(۱)

بعد از خدمت‌رسانی، اصلی‌ترین و اساسی‌ترین خدمات انبیا و اولیای خدا، تعلیم و تعلم و اصلاح بینش و منش مردم بوده است. تمام ارزش‌ها و فضائل انسانی، به برکت خدمات فکری، فرهنگی و هدایت انبیا و اولیای الهی و عالمان راستین بوده است.

۲. خدمات علمی

نوع دیگر از خدمت‌رسانی خدمات علمی است. همواره دانشمندان کوشیده‌اند مشکلات بشر را برطرف و زمینه آسایش عمومی را فراهم کنند. این گروه با به حرکت در آوردن قافله دانش، بهترین خدمت‌گزاران به بشرند.

هدف اصلی دین مقدس اسلام، پس از شناساندن خدای یکتا خدمت به انسان و تأمین سعادت حقیقی اوست و در مسیر تحقق آن، خدمات علمی را می‌ستاید و آن را در زمره برترین عبادات می‌شمارد.

امام‌صادق علیه السلام می‌فرماید:

۱- تحف العقول، ص ۱۹.

ص:۵۹

زَکاةُ الْیَدِ الْبَذْلُ. . . بِما أَنْعَمَ اللهُ عَلَیْکَ به وَ تَحْرِیکُها بِکِتْبَةِ الْعُلُوم وَ مَنافِعَ یَنْتَفِعُ بِها الْمُسْلِمُونَ. . . .(۱)

زکات دست، بخشندگی نعمت‌های الهی و به کار گرفتن آن در نوشتن علوم و رهنمودهایی است که موجب سودرسانی به مسلمانان می‌شود.

یکی از خدمات مهم روحانیون در سفرهای زیارتی، آموزش وظایف عبادی و مناسک است. بعضی توفیق تشرف به خانه خدا را می‌یابند، ولی در انجام‌دادن اعمال ناتوانند؛ زیرا ممکن است در محیطهای روستایی زندگی می کرده و به عالمان دینی دسترسی نداشته‌اند یا از روی سهل‌انگاری نرفته‌اند و اکنون در پی فهم آن سخت نیازمند آموزش این احکام هستند.

امام خمینی (ره) درباره خدمت‌رسانی علمی روحانیون به زائران خانه خدا می‌فرماید:

روحانیون کاروان در یادگیری دقیق احکام حج توسط راهیان سرزمین وحی، نقش محوری و اساسی دارند. آنان باید از زوار کاروان خویش دعوت نمایند و برای آنان مجلس درس مناسک قرار دهند.(۲)

این مسئله، یکی از وظایف مهمی است که بر عهده روحانیون

کاروان‌ها می‌باشد.(۳)[بر حجاج نیز واجب است برای یادگرفتن،

۱- بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۷.

۲- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۸۷.

۳- همان، ج ۱۶، ص ۲۵۵.

ص:۶۰

لحظه‌ای کوتـاهی نکننـد و بـا تمـام توان، مسائـل را یاد بگیرنـد و با علم به مسائل، مناسک را انجام دهنـد].(۱)تـا مبادا پس از انجام مناسـك حـج و گـذشت وقت، معلـوم شود که این مناسـك را درست انجـام نـداده و حجشـان باطـل و زحمـات آنـان به هـدر رفته باشد.(۲)

۳. خوش‌رفتاری

خوش‌رویی با همراهان و خود را خدمت‌گزار آنان دانستن، عامل موفقیت روحانیون و کارگزاران سازمان حج در سفر زیارت است. راه و رسم خدمت‌گزاری، خوش‌خلقی است که بزرگ‌ترین خدمت معنوی به شمار می‌آید. انسان در عین حال که ثروتی نیندوخته، می‌توانـد با خُلق نیکو روح و روان مردم را بپروراند و آنان را مسـرور سازد. یکی از جنبه‌های مهم موفقیت پیامبر (ص) در دعوت به اسلام نیز برخورد محبت‌آمیز پیامبر (ص) با مردم بوده است.

فَبِما رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ (آل عمران:۱۵۹)

به سبب رحمت الهی، در برابر مؤمنان نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی از اطراف تو پراکنده می‌شدند.

تواضع و خوش‌رفتـاری از ویژگی‌هـایی است که افراد را دور شـمع وجود خـدمت‌گزاران جمع می‌کنـد؛ به‌طور طبیعی، مردم از افراد مغرور و

۱- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۸۷.

۲- همان، ج ۱، ص ۱۹۹.

ص:۶۱

بداخلاق می گریزند.

امام علی علیه السلام فرموده است: سه چیز اسباب محبت و حمایت دیگران از انسان است:

«اَلدِّینُ و التَّواضُعُ وَ السَّخاءُ» (۱)؛ «دینداری و فروتنی و بخشندگی» .

افراد بداخلاق هرگز نمی‌توانند فعالیت گروهی کنند و حمایت مردم را به خود جلب نمایند.

امام سجاد علیه السلام از خداوند می‌خواهد:

خداوندا مرا ثابت قدم و استوار بدار تا. . . هرکس از من دوری گزیند، به او نیکی کنم و به کسی که مرا محروم کرده، بذل و عطا کنم و با آن که با من قطع رابطه کرده، بپیوندم. . . . توفیقم ده که نیکی را سپاس گزار باشم و. . . از بدی، چشم‌پوشی و در گذرم.(۲)

۴. دلجویی و رسیدگی

بیماران، کهنسالان و افرادی که برای اولین بار به سفر آمده و از عزیزان خود جدا شده‌اند، بیش از دیگران به رسیدگی و دلجویی نیاز دارند. گاهی یک سلام و برخورد نیک در دیار غربت، بزرگ‌ترین خدمت روحی است، ممکن است گاهی افراد بی‌حوصله، ناراحت یا

گرفتار و عصبانی باشند. در این صورت تحمل کردن و سنگ صبور آنان شدن، بزرگ‌ترین خدمت معنوی است.

۱- غرر الحکم، آمدی، ج ۱، ص ۳۲۹.

۲- صحیفه سجادیه، دعای ۲۰ دعای مکارم الاخلاق .

ص:۶۲

۵. بردباری

بردباری، لازمه کار مسئولان و دست‌اندرکاران است و نبود آن، خدمت‌رسانی به مردم را بسیار دشوار می‌کند؛ به همین جهت امام‌علی علیه السلام سفارش کرده است، آنان که شکیبا نیستند در کسب آن بکوشند و با تلقین و تکلف، آن را در خود ایجاد نمایند:

إنْ لَمْ تَکُنْ حلیماً فَتَحَلَّمْ فَإنَّهُ قَلَّ مَنْ تَشَبَّهَ بِقَومٍ إلّا أوشَکَ أن یَکونَ مِنْهم.(۱)

اگر بردبار نیستی، خود را به بردباری بزن. کم‌اند کسانی که خود را به طایفه‌ای همانند سازند جز اینکه امید است در شمار آنان گردند.

امام علی علیه السلام. . . در دستورالعمل‌های اداری. . . به کارگزاران و کارکنان چنین می‌فرماید:

«وَاصْبِرُوا لِحوائِجِهم. . .»(۲)؛ «در برآوردن حاجت‌های مردم شکیبایی بورزید» .

همچنین می‌فرماید:

«بِالْحِلْمِ تَکْثُرُ الأَنْصارُ. . .»(۳)؛ «با صبر و شکیبایی، حامیان انسان زیاد می‌شود» .

حضرت در جای دیگر می‌فرماید:

«بِالْاحْتِمالِ وَ الْحِلْمِ یَکُونُ لَکَ النّاسُ
أَنْصاراً وَ أَعْواناً» (۴)؛ «در پرتو تحمل و بردباری، مردم یاور و حامی تو می گردند» .

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

۱- غرر الحکم، ج ۳، ص ۱۱.

۲- نهج‌البلاغه، نامه ۵۱.

۳- غرر الحکم، ج ۱، ص ۳۲۵.

۴- همان، ج ۳، ص ۲۳۱.

ص:۶۳

اَلْحِلْمُ غِطاءٌ ساتِرٌ وَالْعَقْلُ حُسامٌ قاطعٌ فَاسْتُرْ خَلَلَ خُلْقِکَ بِحِلْمِکَ وَ قاتِل هَواکَ بِعَقْلِکِ.(۱)

بردباری پرده‌ای است پوشان، و عقل شمشیری است بران. پس نقص‌های اخلاقی‌ات را با بردباری‌ات بپوشان و با عقل خویش، هوای نفست را بمیران.

و نیز می‌فرماید

: «لا عِزَّ أرفَعُ مِنَ الْحِلْمِ»(۲)؛ «هیچ عزتی چون بردباری نیست» .

۶. رفق و مدارا

امام علی علیه السلام، سیاست و مدیریت را آن می‌داند که برمبنای رفق و مدارا باشد؛ چرا که برکت در ملایمت و نعمت در خشونت است. حضرت در بیان‌های گویا و بلیغ خویش این‌گونه حقیقت را آشکار می‌سازد:

الرِّفْقُ یُیَسِّرُ الصِّعَابَ وَ یُسَهِّلُ شَدِیدَ الأَسْبَاب. (۳)

رفق و مدارا دشواری‌ها را آسان می‌سازد و سبب‌های سخت را سهل می‌نماید.

همچنین می‌فرماید:

مَنِ اسْتَعْمَلَ الرِّفْقَ لَانَ لَهُ الشَّدِید.(۴)

هرکه رفق و مدارا را به کار گیرد، هر سختی و دشواری برایش آسان شود.

۱- غرر الحکم، ج ۳، ص ۲۳۱.

۲- همان، ج ۶، ص ۳۸۰.

۳- همان، ج ۲، ص ۴۵.

۴- همان، ج ۵، ص ۲۸۷.

ص:۶۴

و نیز می‌فرماید:

«مَنْ عَامَلَ بِالرِّفْقِ وُفِّقَ»(۱)؛ «هر که با رفق و مدارا عمل کند، توفیق داده می‌شود» .

ممکن است به‌خاطر خستگی، دوری از وطن یا اضطراب از انجام ندادن صحیح اعمال برخورد بعضی از زائران با مدیر کاروان یا دیگر عوامل نامناسب باشد. سیاست مدیریتی اقتضا می‌کند که با نرمی با آنان برخورد شود تا باعث تنش نشود.

حضرت علی علیه السلام در جایی که چاره‌ای جز اعمال قانون و شدت عمل نیست، چنین رهنمود می‌دهد:

فَاسْتَعِنْ بِاللهِ عَلَی مَا أَهَمَّکَ وَ اخْلِطِ الشِّدَّةَ بِضِغْثٍ مِنَ اللِّینِ وَ ارْفُقْ مَا کَانَ الرِّفْقُ أَرْفَقَ وَ اعْتَزِمْ بِالشِّدَّةِ حِینَ لا تُغْنِی عَنْکَ إِلَّا الشِّدَّةُ وَ اخْفِضْ لِلرَّعِیَّةِ جَنَاحَکَ وَ ابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَکَ وَ أَلِنْ لَهُمْ جانِبَکَ.(۲)

پس در مشکلات از خدا یاری جوی و درشتخویی را با اندک نرمی بیامیز. در آنجا که مدارا کردن بهتر است، مدار کن و در جایی که جز با درشتی کار انجام نگیرد، درشتی کن. پر و بالت را برابر رعیت بگستران و با مردم گشاده‌روی و فروتن باش.

۷. عفو و گذشت

افراد مسئول باید در پیشامدها و رویدادهای ناگوار، بیش از دیگران گذشت کنند. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

اَلْمُبَادَرَةُ إِلَی الْعَفْوِ مِنْ أَخْلاقِ الْکِرَامِ؛ الْمُبَادَرَةُ إِلَی الانْتِقَامِ

۱- غرر الحکم، ج ۵، ص ۲۸۷.

۲- نهج البلاغه، نامه ۴۶ نامه مالک اشتر ؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۱۷، ص ۳۵.

ص:۶۵

مِنْ شِیَمِ اللِّئَام.(۱)

پیش گرفتن عفو و گذشت از اخلاق بزرگواران است. سرعت در انتقام از اخلاق فرومایگان است.

افراد بلندنظر نه تنها در اندیشه انتقام نیستند، بلکه کریمانه از بدی دیگران می گذرند.

خداوند متعال می‌فرماید: إِذا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا کِراماً ؛ «و هنگامی که با لغو و بیهودگی برخورد کنند، بزرگوارانه از آن می گذرند» . (فرقان: ۷۲)

افرادی که وظیفه هدایت و راهنمایی دیگران را دارند باید بکوشند با اخلاق نیکو به افراد گستاخ و ناسزاگو پاسخ دهند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید

: «الْحَکِیمُ [الْکَرِیمُ] مَنْ جَازَی الإِسَاءَةَ بِالإِحْسَان»(۲)؛ «جوانمرد کسی است که بدی را به نیکی پاسخ دهد» .

ویژگی سفرهای زیارتی این است که باید چند نفر در یک اتاق با سلیقه‌های مختلف در کنار هم زندگی کنند. یکی می‌خواهد شبانه به زیارت برود و دیگری دیرهنگام از حرم بازگردد؛ ممکن است در این وضع عده‌ای از استراحت باز بمانند و ناراحت شوند. ولی باید در نظر

داشت که با تحمل کردن و گذشت، جلوی کدورت را بگیرند.

۸. کتمان عیب

در سفرهای معنوی باید بیش از همه اوقات، در گفتار و رفتار خود دقت کنیم. ازاین‌رو اگر در شخصی، نقصانی بود یا لهجه و رفتار خاصی

۱- غررالحکم، ج ۲، ص ۴.

۲- همان, ص ۲۹.

ص:۶۶

داشت، باید عیب او را پوشیده نگه داریم و برای دیگران آشکار نسازیم. گرچه عیب‌جویی و غیبت همه‌جا حرام است، ولی حرمت آن در این سفر عبادی بیشتر است. چه بسا ممکن است تمام اندوخته‌های معنوی با یک غیبت به نامه اعمال غیبت شونده منتقل شود و انسان با کوله‌باری سنگین‌تر از گناه بازگردد.

۹. مزاح با همسفران

از مصداق‌های مهم خدمات معنوی سفر حج، بهداشت روحی و روانی زائران است.(۱)یکی از لوازم سفر فراهم کردن اسباب سرور و شادی با شوخی، سخنان روح‌بخش و داستان‌های نشاط‌آور است.

در روایات سفارش شده که برای رفع خستگی سفر، خوب است از شوخی‌های سالم استفاده شود تا روح و روان افراد تلطیف گردد.

نقل شده که پیامبر اکرم (ص) ، امام علی و امام صادق علیهماالسلام بسیار مزاح می‌کردند. پیامبر (ص) می‌فرمود

: «إِنِّی لَأَمْزَحُ وَلا أَقُولُ إِلَّا حَقّا»(۲)؛ «من مزاح می‌کنم. اما جز حق نمی‌گویم» .

درباره امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است: «وَ کانَ کثیرَ الدُّعابَهِ وَ التَّبَسُّم»(۳)؛ «حضرت بسیار شوخ طبع و خنده‌رو بود» .

شاید در عرف، فعالیت بدنی، کمک مالی و دستگیری از ضعیفان و بیچارگان مصادیق خدمت باشد، درحالی‌که در فرهنگ اسلامی، گفتار نیز

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۱۷؛ بحارالانوار، ج ۱۰۱، صص ۱۴۲ و ۱۷۴.

۲- بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۹۸.

۳- همان، ج ۱۷، ص ۳۳.

ص:۶۷

یکی از مصداق‌های رفتار انسان به شمار می‌آید.

بنابراین با زبان هم می‌شود خدمت کرد؛ همچنان که می‌توان با آزار زبانی، جهنم را برای خود خرید.

رسول خدا (ص) فرمود:

مَنْ لَمْ یَحْسُبْ کَلامَهُ مِنْ عَمَلِهِ کَثُرَتْ خَطَایَاهُ وَ حَضَرَ عَذَابُه.(۱)

کسی که گفتارش را از کردارش به شمار نیاورد، گناهانش بسیار شود و عذابش آماده و نقد باشد.

شخصی خدمت رسول خدا (ص) رسید و عرض کرد: «مرا به مطلبی که به حالم مفید باشد توصیه فرمایید» . حضرت فرمود: «زبانت را نگه‌دار» .

«وَ هَلْ یَکُبُّ النَّاسَ عَلَی مَناخِرِهِم فِی النَّارِ إِلّا حَصَائِدُ أَلْسِنَتِهِم»(۲)؛ «آیا مردم را جز دروشده‌های زبانشان به روی در دوزخ می‌افکند؟ !» .

در مقابل، شادکردن مؤمنان با زبان نرم و چهره خندان، از بهترین عبادت‌ها نزد پروردگار شمرده شده است.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

تَبَسُّمُ الرَّجُلِ فِی وَجْهِ أَخِیهِ حَسَنَةٌ وَ صَرْفُ الْقَذَی عَنْهُ حَسَنَةٌ وَ مَا عُبِدَ اللهُ بِشَیءٍ أَحَبُّ إِلَی اللهِ مِنْ إِدْخَالِ السُّرُورِ عَلَی الْمُؤْمِن. (۳)

لبخندزدن انسان به روی برادرش نیکی است و دورکردن خاشاک (آزار) از او نیکی است و محبوب‌ترین عبادت نزد خداوند، شادکردن دل مؤمن است.

۱- کافی، ج ۲، ص۱۱۵.

۲- همان، ص ۱۱۵

۳- همان، ص ۱۸۸.

ص:۶۸

خدمات مادی

اشاره

یکی از اعمال مهم عبادی در سفرهای زیارتی خدمت مادی به دیگران است؛ چنان‌که ائمه علیهم السلام به‌طور ناشناس در کاروان‌های حج به زائران کمک می‌کردند و به دیگران نیز این کار را سفارش می‌نمودند.

جابر جُعفی نقل می‌کند: بعد از تمام شدن اعمال حج، با جمعی به خدمت امام محمد باقر علیه السلام رسیدیم. هنگامی که خواستیم با حضرت وداع کنیم، عرض کردیم: «توصیه‌ای بفرمایید» . حضرت فرمود:

توانگران شما به ضعیفان کمک کنند. ثروتمندان از فقیران دلجویی نمایند. هر یک از شما خیرخواه برادر دینی‌اش باشد و آنچه برای خود می‌خواهد، برای او نیز بخواهد.(۱)

۱. کمک مالی

گاهی اتفاق می‌افتد که پول زائران گم می‌شود یا به سرقت می‌رود. در این صورت بهترین کمک قرض دادن به زائر است.

۲. همیاری در سفر حج

گاهی مسئولان در سامان‌دهی امور، به کمک همسفران نیاز دارند. گرچه سازمان خود پیش‌بینی‌های لازم را برای این امور کرده، ولی در مواقع نیاز نباید زائران خود را کنار بکشند و یاری‌رسانی را وظیفه خود ندانند؛ زیرا اسلام همکاری و کمک‌رسانی را محدود به وظایف اداری و زمان و مکان خاص نکرده است.

۱- بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۲۳۶.

ص:۶۹

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

لقمان به فرزنـدش گفت: هرگاه با جمعیتی مسافرت کردی، در مشورت دادن به آنان کوتاهی نکن و با کرامت و بزرگواری با آنان رفتار کن. اگر تو را برای امری طلبیدند، اجابت کن.

«وَ إِذَا اسْتَعَانُوا بِـکَ فَأَعِنْهُمْ»(۱)؛ «اگر از تـو کمـک و یـاری خواسـتند یاری‌شـان کن» . گوش به سـخن بزرگ‌ترهـا بـده. اگر به تو دستوری دادند و از تو چیزی پرسیدند، پاسخ مثبت بده.

«وَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ يَعْمَلُونَ فَاعْمَـلْ مَعَهُمْ» (۲)؛ «هرگاه دیدی دیگران مشـغول کار و فعالیت هسـتند، تو هم بیکار نباش و با آنان همکاری کن» .

رسول خدا (ص) فرمود:

مَنْ أَعَانَ مُؤْمِناً مُسَافِراً فَرَّجَ اللهُ عَنْهُ ثَلاثاً وَ سَبْعِينَ كُرْبَةً.(۳)

هرکس به مؤمن مسافری کمک کند، خداوند ۷۳ گرفتاری او را برطرف می‌سازد.

از امام صادق علیه السـلام نقل شده که حضـرت امام سـجاد علیه السـلام با کاروانی به سـفر حج می‌رفت که او را نشناسند و با آنان شرط می‌کرد که به عنوان خـادم آنـان بـا آنها همراه گردد و کارهایی که می‌توانـد، برای آنان انجام دهـد. یک بار با عـده‌ای سـفر رفت. یـک نفر از آنـان حضـرت را شـناخت و فوری نزد کاروانیان رفت و گفت: «آیا این مرد را می‌شناسـید؟» گفتنـد: «نه» . گفت: «این شخص علی‌بن الحسین علیهماالسلام است» . با شتاب نزد امام علیه السلام

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، صص ۳۲۳ و ۳۲۴.

۲- همان.

۳- همان، ص ۳۱۵.

ص:۷۰

رفتند و دست و پایش را بوسیدند و گفتند:

ای فرزند پیامبر می‌خواهی که ما به آتش جهنم گرفتار شویم؟ اگر در گفتار و رفتار ما نسبت به شما بی‌ادبی سر می‌زد تا آخر عمر بیچاره می‌شدیم؛ چه انگیزه‌ای باعث شد که شما خود را معرفی نکنید؟

حضرت در پاسخ فرمود:

إِنِّی کُنْتُ سَافَرْتُ مَرَّةً مَعَ قَوْمٍ یَعْرِفُونَنِی فَأَعْطَوْنی بِرَسُولِ اللهِ (ص) مَا لا أَسْتَحِقُّ فَأَخَافُ أَنْ تُعْطُونی مِثْلَ ذَلِکَ. (۱)

یک‌بار در سفری با مردمی که مرا می‌شناختند به مسافرت رفتم. ولی آنان به‌خاطر رسول خدا (ص) چنان با من رفتار کردند که خود را مستحق آن نمی‌دیدم. ترسیدم شما هم آن‌گونه با من رفتار کنید. لذا از آن پس دوست دارم ناشناس به مسافرت بروم.

نزد رسول خدا (ص) درباره مردی سخن به میان آمد؛ گفتند:

ای رسول خدا (ص) او به قصد حج با ما همراه شد و وقتی درمنزلی فرود آمدیم، پیوسته «لا اله الا الله» می‌گفت و زمانی که از آنجا کوچ می‌کردیم، باز به ذکر خدا مشغول می‌شد تا منزل بعد.

رسول خدا (ص) فرمود: «چه کسی غذای او و علوفه مرکب او را آماده می‌کرد؟» گفتند: «همه» . فرمود: «همه شما از او بهتر هستید» (۲).

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۱۵.

۲- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۴۷۳.

ص:۷۱

۳. مواسات و ایثار

اشاره

مواسات به معنای یاری‌کردن دیگران با تمام وجود و شریک کردن آنان در امکانات خویش است که از مصادیق برجسته خدمت‌رسانی به‌شمار می‌آید.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «أَحْسَنُ الإِحْسَانِ مُوَاسَاةُ الإِخْوَانِ»(۱)۱؛ «نیک‌ترین نیکی‌ها، شریک کردن برادران در مال و امکانات زندگی است» .

و نیز فرمود:

مِنْ أَحْسَنِ الإِحْسَانِ الإِيثَار.(۲)

از نیک‌ترین نیکی‌ها، ایثار و از خودگذشتگی [و ترجیح دیگران بر خویش در بهره‌مندی از امکانات خویش] است.

موارد کاربرد مواسات

مواسات در جایی معنا می‌یابد که انسان امکاناتش به قدر ضرورت و

کفایت خویش باشد، در عین حال دیگران را در آن سهیم کند. امام‌علی علیه السلام در وصیتنامه خود در آخرین لحظات عمر با برکت خویش به امام حسن علیه السلام فرمود:

وَ اللَّهَ اللَّهَ فِي الْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ فَشَارِكُوهُمْ فِي مَعِيشَتِكُمْ. . . .(۳)

خدا را خدا را در قبال فقرا و مساکین و آنان را [در نظر آورده و] در زندگی خود شریک گردانید.

۱- غرر الحکم، ج ۲، ص ۴۰۳.

۲- همان، ج ۶، ص ۳۴.

۳- تحف العقول، ص ۱۳۶.

ص:۷۲

حضرت همچنین می‌فرماید:

«وَ فُقَرَاءِ الْمُسْلِمِينَ أَشْرِكُوهُمْ فِى مَعِيشَتِكُم»(۱)؛ «و مسلمانان نیازمند را در زندگی خود شریک سازید» .

امام علی علیه السلام جامعه ضد ارزشی و فاصله گرفته از فضائل را این‌گونه معرفی می کند:

أَنَّكُمْ فِى زَمَانٍ الْقَائِلُ فِيهِ بِالْحَقِّ قَلِيلٌ. . . وَ لا يَعُولُ غَنِيُّهُمْ فَقِيرَهُم.(۲)

همانا شما در روزگاری هستید که گویندهٔ حق اندك. . . و توانگرانشان دست مستمندان را نمی گیرند.

در سیره امام علی علیه السلام در رسیدگی به فقرا و نیازمندان چنین آمده است: که علی علیه السلام باغی را که درختانش را رسول خدا (ص) برایش کاشته و خود با باغبانی سامان داده بود، به دوازده هزار درهم فروخت و همه‌اش را به نیازمندان بخشید و رهسپار منزل شدند. فاطمه زهرا علیهاالسلام به او گفت:

می‌دانی که چند روز است ما غذایی نخورده‌ایم و گرسنگی‌مان

شدید شده و می‌دانم تو هم مانند ما در حال گرسنگی هستی. آیا به‌قدر غذایی اندك از پول باغ برای خودمان نگه داشته‌ای؟

علی علیه السلام فرمود: «می‌خواستم چنین کنم، اما چهره‌هایی که فقر و نیازمندی، غبار ذلت و گدایی بر آنها نشانده بود، مانع کارم شد» .(۳)

گاهی افرادی در میان زائران هستند که به‌خاطر حجب و حیا و کم‌رویی، نمی‌توانند نیاز خود را به دیگران اظهار نمایند؛ مثلاً ممکن

۱- امالی، شیخ طوسی، ج ۲، ص ۱۳۶.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۳۳.

۳- ر. ك: سفینهٔ البحار، ج ۲، ص ۲۴.

ص:۷۳

است اتفاق بیفتد که در مکانی بنشینی که سایه باشد و سمت دیگر آفتاب شدید بتابد، درحالی‌که همسفر شما که کم‌طاقت، مریض یا کهنسال است، در طرف دیگر نشسته باشد. در این حالت موقعیت راحت خود را به آنان دادن، از خدمات شایسته به همسفران است. همچنین مساعدت و همراهی در حمل وسائل، سوار و پیاده شدن از وسائل نقلیه با افراد مسن، مریض و ناتوان، باعث رضایت پروردگار می‌شود.

۴. کمک به ناتوانان

کمک به افراد ناتوان در همه حال بایسته و شایسته است؛ به‌ویژه به زائرانی که در سفر زیارتی به‌سر می‌برند و تنهایی و غربت، ضعف آنها را دوچندان کرده است. پیشوایان دین فرموده‌اند کسی که به چنین افرادی یاری رساند، خدا بر او ترحم خواهد کرد.

الرَّاحِمُونَ یَرْحَمُهُمُ الرَّحْمَنُ، ارْحَمُوا مَنْ فِی الأَرْضِ یَرْحَمْکُمْ مَنْ فِی السَّمَاء.(۱)

رحم‌کنندگان را خداوند رحمان رحم می‌نماید. شما به اهل زمین رحم کنید تا رحم کند بر شما کسی که در آسمان است.

مَنْ لَمْ یَرْحَمِ النَّاسَ مَنَعَهُ اللهُ رَحْمَتَهُ.(۲)

کسی که بر مردم رحم نکند، خداوند او را از رحمتش محروم می‌کند.

أَلسّاعِی عَلَی الأَرمِلَهِٔ وَ المِسْکینِ. . . کَالقائِمِ الَّذِی لا یَفْتُرُ وَ کَالصّائِمِ

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۶۹.

۲- غرر الحکم، ج ۵، ص ۴۰۹.

ص:۷۴

الَّذِی لا یَفْطُرُ.(۱)

سعی‌کننده برای حاجت بیوه‌زنان و مسکین، مانند کسی است که همه شب را بدون ضعف و سستی به عبادت برخیزد و مانند روزه‌داری است که همه روزها را بدون افطار روزه بگیرد.

به‌علت طولانی شدن نوبت حج ثبت‌نام کنندگان، سطح سنی بیشتر حج‌گزاران بالاست و بسیاری از موارد در کاروان‌ها پیرمرد و پیرزنانی هستند که از انجام اعمال فردی خود ناتوانند. در این‌گونه موارد کمک کردن به آنان بیشترین پاداش را دارد. طبق روایات معصومین علیهم السلام کمک کردن به آنها از انجام طواف مستحبی به مراتب ارزشمندتر است.

۵. مراقبت از همسفران

در سفر زیارتی حج که برخی افراد تنها به‌خاطر انجام دادن تکلیف واجب خود سفر می‌کنند و در بقیه ایام اهل مسافرت نیستند، برخی بر

اثر کهولت سن، مریضی، ناآگاهی به مسیر و. . . نیاز به مراقبت و کمک دیگران دارند. هر چند ممکن است این امر از وظایف سازمانی باشد، ولی به‌طور قطع جزو وظایف شرعی و اخلاقی هر زائری نیز به حساب می‌آید. اسلام همسفران را در قبال هم مسئول می‌داند.

امام صادق علیه السلام در این زمینه فرموده است:

اگر کسی با برادر مؤمنش در راهی با هم می‌روند، چنانچه جلوتر راه برود تا حدی که آن برادر دینی از [زاویه] دید او پنهان بماند [و

۱- . شعب الایمان، بیهقی، ج۲۲، ص۴۱۴.

ص:۷۵

عقب بیفتد] اگر حادثه‌ای برای او رخ دهد، در ریختن خون او و از بین رفتن او شریک است.(۱)

رسول اکرم (ص) نیز می‌فرماید: «اگر در مسافرت بودید و یکی از همراهانتان مریض شد، سه روز برای [خوب شدن] او بمانید» .(۲)

بایسته‌های خدمت‌رسانی به زائران

اشاره

خدمت‌رسانی در سفر حج و زیارت، توفیقی است که نصیب هرکس نمی‌شود؛ باید لیاقتش را از خدا دریافت کرد و از او خواست که زمینه‌اش را فراهم کند. ازاین‌رو هر کارگزاری که به زائران خانه خدا خدمت می‌کند، باید توجه داشته باشد، افراد نیازمندی که درخواست کمک می‌کنند، مأموران پروردگارند که اسباب توفیق خدمت‌گزاری را فراهم می‌کنند. خداوند این شرایط را برای هرکس پیش نمی‌آورد و اگر

پیش آورد، باید منّت آنان را کشید که باعث ایجاد چنین اجر و پاداش بزرگی شده‌اند. چنانچه در روایتی می‌خوانیم: «المِسکینُ رَسولُ الله» (۳)؛ «فرد مسکین فرستاده خداست» .

در حقیقت نیازمندی که به‌سوی ما می‌آید، مأمور است تا بخشی از بار گناه ما را سبک کند و ذخیره‌ای برای آخرتمان فراهم سازد. بنابراین اگر زائری به کارگزاران حج یا زائران دیگر مراجعه کند و از آنان کمک بخواهد، برای آنان ایجاد فرصت کرده نه زحمت.

۱- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۰۵.

۲- همان.

۳- بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۱۷۲.

ص:۷۶

۱. حد و مرز خدمت

خدمت‌رسانی حد و مرز ندارد؛ یعنی از نقطه صفر آغاز می‌شود و به بی‌نهایت پیش می‌رود؛ زیرا موضوع خدمت آفریده خداست و راه رشد و تکامل معنوی نیز بی‌پایان است. کسی که خالصانه برای خدا می‌کوشد، هرجا که باشد خیر و برکتش به مردم می‌رسد. امام صادق علیه السلام درباره معنای «مبارکاً» در آیه شریفه وَ جَعَلَنِی مُبارَکاً أَیْنَ ما کُنْتُ (مریم: ۳۱) می‌فرماید: «یعنی بسیار نفع‌رسانی به مردم» .(۱)

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

فِی کُلِّ شَیءٍ یُذَمُّ السَّرَفُ إِلّا فِی صَنَائِعِ الْمَعْرُوفِ وَالْمُبَالَغَةِ فِی الطَّاعَةِ.(۲)

اسراف در هر چیزی مذموم و نکوهیده است، جز در انجام دادن نیکی‌ها و مبالغه در طاعت خدا.

۲. مشروطنبودن خدمت‌رسانی

همان‌گونه که اشاره شد، در خدمت‌رسانی به دیگران، زمان، مکان، گروه و آیین خاص قید نشده است. هر موجودی که بهره‌ای از حیات دارد و خدمت به او کمک به ظلم و گناه نباشد، مشمول خدمت‌رسانی می‌شود.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۶۵.

۲- غرر الحکم، ج ۴، ص ۴۱۱.

ص:۷۷

رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الإِيمَانِ بِاللهِ التَّوَدُّدُ إِلَی النَّاسِ وَ اصْطِنَاعُ الْخَیْرِ إِلَی کُلِّ بَرٍّ وَ فَاجِرٍ.(۱)

اساس خردمندی و فرزانگی بعد از ایمان به خداوند، دوستی با مردم و خیررسانی به هر خوب و بد است.

مولا علی علیه السلام می‌فرماید:

«رَأْسُ الإِیمَانِ الإِحْسَانُ إِلَی النَّاسِ»(۲)؛ «قله ایمان و دینداری، خیر و نیکی به مردم است» .

مولا علی علیه السلام احسان و خدمت‌گزاری را دامن‌گستر می‌شمرد و دایره خدمت‌گزاری را به هیچ چیز محدود نمی‌دانست و می‌فرمود:

«أُبْذُلْ مَعْرُوفَکَ لِلنَّاسِ کَافَّةً»(۳)؛ «خدمت‌گزاری و نیکوکاری‌ات را نثار همگان کن» .

امام حسین علیه السلام نیز می‌فرمود:

تَکُونُ الصَّنِیعَةُ مِثْلَ وَابِلِ الْمَطَرِ تُصِیبُ الْبَرَّ وَ الْفَاجِرَ.(۴)

کار نیک و خدمت، همچون بارانی است پر بارش که خوبان و بدان را برخوردار می‌سازد.

۳. شتاب در خدمت‌رسانی

شایسته است هر کار پسندیده، همراه با سرعت و دقت انجام شود؛ چنان‌که خدای متعال نیز به همه خدمت‌گزاران فرموده است: فَاسْتَبِقُوا

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۵.

۲- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۶۴۰.

۳- همان، ج ۳، ص ۱۹۳۲.

۴- تحف العقول، ص ۱۷۵.

ص:۷۸

الْخَیْراتِ ؛ «در نیکی‌ها و اعمال خیر، بر یکدیگر سبقت جویید» (بقره: ۱۴۸) ؛ به‌ویژه اگر زمینه انجام دادن کار خیری پیش بیاید درنگ و تعلل، ممکن است باعث از دست رفتن این سعادت و توفیق شود و خداوند، دیگری را مأمور آن سازد. شتاب در کار خیر چنان ارزش دارد که خداوند هنگام ستایش حضرت زکریا علیه السلام یکی از دلایل استجابت درخواست او را تعجیل خاندان وی در کارهای خیر برشمرده است.

فَاسْتَجَبْنا لَهُ وَ وَهَبْنا لَهُ یَحْیی وَ أَصْلَحْنا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ کانُوا یُسارِعُونَ فِی الْخَیْراتِ وَ یَدْعُونَنا رَغَباً وَ رَهَباً وَ کانُوا لَنا خاشِعِینَ (انبیاء:۹۰)

ما دعای او را مستجاب کردیم و یحیی را به او بخشیدیم و همسرش را [که نازا بود] برایش شایسته [بارداری] ساختیم؛ چرا که آنان [خاندانی بودند که] همواره در کارهای خیر به‌سرعت

اقدام می‌کردند و از روی بیم و امید ما را می‌خواندند و پیوسته برای ما [خاضع و] خاشع بودند.

در منطق امام علی علیه السلام هنگام استفاده از فرصت‌ها هیچ‌گونه تأمل و درنگ شایسته نیست و پیش از آنکه زمان آن سپری گردد، باید آن را انجام داد:

«أَلْتُؤَدَّةُ مَمْدُوحَةٌ فِی کُلِّ شَیءٍ إلّا فِی فُرَصِ الخَیرِ»(۱)؛ «درنگ در هر چیز پسندیده است، به‌جز در [پدید آمدن فرصت] کار خیر» .

امام علی علیه السلام خطر فرا رسیدن مرگ و از دست دادن فرصت را علت شتاب و سرعت در کار خیر می‌داند:

«مَنْ اِرْتَقَبَ الْمَوتَ سارَعَ اِلَی

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۴۲.

ص:۷۹

الخَیراتِ»(۱)؛ «هرکس چشم به راه مرگ باشد، به کار خیر شتاب می‌کند» .

امام علی علیه السلام در سخنی دیگر درباره شتاب در امر خیر فرموده است: «دلیل تعجیل من در کار خیر آن است که مبادا شخص نیازمند، به‌گونه‌ای دیگر بی‌نیاز شود و فرصت نیکوکاری از من سلب گردد» .

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

إِذَا هَمَمْتَ بِشَیءٍ مِنَ الْخَیْرِ فَلا تُؤَخِّرْهُ فَإِنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ رُبَّمَا اطَّلَعَ عَلَی الْعَبْدِ وَ هُوَ عَلَی شَیءٍ مِنَ الطَّاعَةِ فَیَقُولُ: وَ عِزَّتِی وَ جَلالِی لاأُعَذِّبُکَ بَعْدَهَا أَبَداً.(۲)

هرگاه بر انجام دادن کار خوبی تصمیم گرفتی آن را به عقب نینداز؛ زیرا خدای تبارک و تعالی بسا توجه کند به بنده‌اش هنگامی که او مشغول اطاعت است؛ آن‌گاه می‌فرماید: «به عزت و جلالم از این پس تو را عذاب نخواهم کرد» .

اسلام ابراز نیاز را ناشایست می‌داند؛ چرا که آبرو و حرمت مسلمانان را خدشه‌دار می‌کند. ازاین‌رو به مسلمانان فرمان داده است، پیش از آنکه نیازمندی دست طلب دراز کند، به یاری‌اش بشتابند.

در روایتی وارد شده است:

إِبْدَأْ بِالْعَطِیَّةِ مَنْ لَمْ یَسْأَلْکَ وَ ابْذُلْ مَعْرُوفَکَ لِمَنْ طَلَبَهُ وَ إِیَّاکَ أَنْ تَرُدَّ السَّائِلَ.(۳)

۱- نهج البلاغه، حکمت ۳۱.

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۴۳؛ بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۲۱۷.

۳- غرر الحکم، ج ۲، ص ۲۰۳.

ص:۸۰

پیش از اینکه سائل از تو درخواست نماید به او کمک کن و خیر تو به کسی که از تو درخواست دارد، برسد و بر حذر باش از اینکه سائلی را رد کنی.

این بدان سبب است که یاری پس از طلب، نوعی تجارت به شمار می‌آید.

۴. شکیبایی در خدمت‌رسانی

رفع نیاز دیگران، جز با صبر و بردباری به سامان نمی‌رسد. گاه در مسیر خدمت‌رسانی و برطرف کردن گرفتاری‌های مردم، سختی و دشواری زیادی وجود دارد. ازاین‌رو پیمودن راه خدمت‌گزاری، جز به مدد توکل بر خدا و داشتن صبر و شکیبایی میسر نیست؛ چنان‌که حضرت موسی علیه السلام نیز در آغاز خدمت‌رسانی خود دست به دعا برداشت

و فرمود: رَبِّ اشْرَحْ لِی صَدْرِی * وَ یَسِّرْ لِی أَمْرِی ؛ «پروردگارا! سینه‌ام را گشاده کن، و کارم را برایم آسان گردان» . (طه: ۲۵و ۲۶)

امام علی علیه السلام در نامه‌ای کارگزاران خود را به شکیبایی در خدمت‌رسانی فرا خوانده است:

فَأَنْصِفُوا النَّاسَ مِنْ أَنْفُسِکُمْ وَ اصْبِرُوا لِحَوَائِجِهِمْ فَإِنَّکُمْ خُزَّانُ الرَّعِیَّةِ وَ وُکَلاءُ الْأُمَّةِ وَ سُفَرَاءُ الأَئِمَّةِ.(۱)

در روابط خود با مردم انصاف داشته باشید و در برآوردن نیازهایشان شکیبا باشید. همانا شما خزانه‌داران مردم و نمایندگان ملت و سفیران پیشوایان هستید.

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۱.

ص:۸۱

اگر انگیزه اصلی کارگزاران، الهی باشد، تحمل سختی‌های کار و ناملایمات برآمده از برخورد نامناسب برخی زائران، آسان و طعم تلخ رفتار و گفتار آنان در ذائقه انسان شیرین خواهد شد.

امام علی علیه السلام به مالک اشتر چنین دستور داده است:

وَ أَعْطِ مَا أَعْطَيْتَ هَنِيئاً وَ امْنَعْ فِي إِجْمَالٍ وَ إِعْذَارٍ.(۱)

آنچه به مردم می‌بخشی، بر تو گوارا باشد و اگر چیزی را از کسی باز می‌داری با مهربانی و عذرخواهی همراه باشد.

هرگز نباید ناسپاسی برخی افراد جلوی خدمت‌گزاری خالصانه را بگیرد و خدمت‌گزاران را دلسرد کند. چنانچه هدف ما از خدمت‌کردن والا باشد، قدرنشناسی عده‌ای، ما را به ورطه منت‌گذاری و ضایع کردن

خدمات پیشین نمی‌کشاند. امام علی علیه السلام در حکمتی ناظر به همین موضوع فرموده است:

لا يُزَهِّدَنَّكَ فِي الْمَعْرُوفِ مَنْ لا يَشْكُرُهُ لَكَ فَقَدْ يَشْكُرُكَ عَلَيْهِ مَنْ لايَسْتَمْتِعُ بِشَيءٍ مِنْهُ وَ قَدْ تُدْرِكُ مِنْ شُكْرِ الشَّاكِرِ أَكْثَرَ مِمَّا أَضَاعَ الْكَافِرُ(۲) وَ اللهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ.(۳)

ناسپاسی مردم تو را از کار نیکو باز ندارد؛ زیرا هستند کسانی بی‌آنکه از تو سودی برند تو را می‌ستایند؛ چه‌بسا ستایش اندک آنان برای تو سودمندتر از ناسپاسی ناسپاسان باشد و خدا نیکوکاران را دوست دارد.

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲- همان، حکمت ۲۰۴.

۳- آل عمران: ۱۳۴.

ص:۸۲

۵. خدمت خالصانه

اشاره

هر کوششی ممکن است صورت‌های گوناگون داشته باشد؛ اما تنها چهره تلاش خالصانه نزد خداوند ماندگار و ماندنی است. هر انسانی به طور ذاتی در پی تأمین منافع خویش است، نه خدمت به دیگران. تنها اشخاص با ایمان و با اخلاص هستند که به منافع دنیوی فکر نمی‌کنند و جلب رضایت خدا را مایه سعادت هر دو جهان خویش می‌دانند و با عشق به خدا به بندگان خدمت می‌کنند.

امام سجاد علیه السلام در نیایش با پروردگار از او می‌خواهد:

إِجْعَلْ جِهادَنا فِيكَ وَ هَمَّنَا فِي طاعَتِكَ وَ أَخْلِصْ نِيّاتِنا فِي مُعامَلَتِك.(۱)

بارالها! جهاد ما را در راهت و کوشش ما را در راه اطاعتت قرار ده و در معامله با خودت نیت ما را خالص گردان.

اخلاص را از پیامبران بیاموزیم

در داستان موسی و شعیب علیهماالسلام آمده است، هنگامی که موسی نزد شعیب رفت، شعیب آماده خوردن شام بود. به موسی گفت: «ای جوان! بنشین شام بخور» . موسی گفت: «پناه به خدا!» شعیب گفت: «چرا؟ ! مگر گرسنه نیستی؟ !» موسی گفت: «چرا. اما می‌ترسم این شام پاداش آبی باشد که به گوسفندان شما دادم. من از خاندانی هستم که اگر همه زمین پر از طلا شود، کمترین ثواب آخرت را به آن نمی‌فروشم» . شعیب گفت:

۱- بحارالانوار، ج ۹۴، ص ۱۴۷.

ص:۸۳

«ای جوان، به خدا این مزد آن کار تو نیست. بلکه مهمان‌نوازی و اطعام، رسم و عادت ما و پدران ماست» . در این هنگام موسی نشست و شام خورد.(۱)

۶. حفظ عزت و کرامت زائران

در اسلام هر رفتاری از سوی هرکس که خواری و تحقیر مسلمانان را در پی داشته باشد، ممنوع شده و اسلام به مسلمانان به هیچ وجه اجازه ذلت و خواری نداده است.

شخصی در عصر امام صادق علیه السلام با قافله‌ای به حج مشرف شد. او مردی ثروتمند و بخشنده بود و در هر منزل و توقف گاهی، گوسفندی کشت و به همراهان کباب داد.

پس از پایان اعمال حج برای زیارت به مدینه منوره و محضر امام‌صادق علیه السلام شرف‌یاب شد. وقتی چشم امام به او افتاد، با ناراحتی فرمود: «چرا مؤمنان را خوار می‌کنی؟ !» او هرچه فکر کرد، موردی را نیافت که موجب ذلیل کردن مؤمنی شده باشد. ازاین‌رو از امام توضیح خواست. امام فرمود: «در راه مکه، در هر منزلی که قافله اتراق می‌کرد، برای همراهان گوسفند می‌کشتی» . عرض کرد: «منظورم خدمت بود» . حضرت فرمود:

شما متوجه نشدی که سایر همراهان قدرت ندارند در هر منزلی گوسفندی ذبح و مشارکت کنند؛ از طرفی هم نمی‌توانند سر سفره

۱- میزان الحکمه، ج ۳، ص ۶۰.

ص:۸۴

غذا نخورند. از این‌رو خجالت می‌کشند و احساس حقارت می‌کنند.(۱)

۷. خدمت بی‌منت

اصل خدمت‌گزاری برای جلب رضای خدا، به‌ویژه در سفر روحانی و معنوی حج، مهم‌ترین انگیزه‌ای است که کارگزاران و مسئولان را به خدمت‌رسانی وامی‌دارد. پایبندی به چنین اصلی در فعالیت‌ها مطلوب‌ترین کار است. به شرط آنکه در برخورد با زائران، کمک ارزشمند خود را با منّت‌گذاری، نیش زبان و هرگونه عملی که مفهوم منت و تحقیر را برساند، همراه نسازیم؛ زیرا نیش منت، نوش خدمت را از ذائقه افراد می‌زداید.

اینکه در خدمت نباید منت باشد، اختصاص به خدمات فردی ندارد، بلکه حاکم اسلامی هم نباید در برابر خدمتی بر جامعه منت بگذارد. امام‌علی علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر می‌فرماید:

وَ إِیَّاکَ وَ الْمَنَّ عَلَی رَعِیَّتِکَ بإحْسَانکَ أَوِ التَّزَیُّدَ فِیمَا کَانَ مِنْ فِعْلِکَ أَوْ أَنْ تَعِدَهُمْ فَتُتْبِعَ مَوْعِدَکَ بِخُلْفِکَ فَإِنَّ الْمَنَّ یُبْطِلُ الإِحْسَانَ وَ التَّزَیُّدَ یَذْهَبُ بِنُورِ الْحَقِّ وَ الْخُلْفَ یُوجِبُ الْمَقْتَ عِنْدَ اللهِ وَ النَّاسِ.(۲)

مبادا با خدمت‌هایی که انجام دادی بر مردم منّت‌گذاری یا آنچه را انجام داده‌ای بزرگ شماری یا مردم را وعده‌ای داده سپس خلفِ وعده نمایی. منت نهادن پاداش نیکوکاری را از بین می‌برد و کاری

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۵۱.

۲- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

ص:۸۵

را بزرگ شمردن نور حق را خاموش گرداند و خلاف وعده عمل کردن خشم خدا و مردم را برمی‌انگیزاند.

از بیانات مولا ـ علی علیه السلام به دست می‌آید که خدمت‌گزار باید خدمت خود را با فضایل اخلاقی و کمالات انسانی، چون مدارا، ملاطفت و با تعبیرات زیبا، نشاط‌آور و امیدبخش و به دور از منت و انتظارهای بی‌جا همراه نماید.

امام حسن مجتبی علیه السلام نیز می‌فرماید:

أَلْمَعْرُوفُ مَا لَمْ یَتَقَدَّمْهُ مَطَلٌ وَ لَمْ یَتَعَقَّبْهُ مَنٌّ. . . مَنْ عَدَّدَ نِعَمَهُ مَحَقَ کَرَمَهُ.(۱)

نیکی و احسان آن است که بی‌درنگ باشد و در پی آن منتی نباشد. . . هر که نعمت‌ها و خدمت‌های خود را [به دیگران] شمارش کند، کرمش را باطل می‌کند.

امام سجاد علیه السلام عبادت و خدمت به دیگران را در یک راستا و به یک اندازه در شکل‌گیری شخصیت معنوی و دینی افراد سهیم می‌داند و در قالب دعا به ما درس دینداری و خدمت‌گزاری را می‌آموزد.

وَ عَبِّدْنِی لَکَ وَلا تُفْسِدْ عِبَادَتِی بِالْعُجْبِ، وَ أَجْرِ لِلنَّاسِ عَلَی یَدِی الْخَیْرَ وَلا تَمْحَقْهُ بِالْمَنِّ.(۲)

[خدایا] به من توفیق عبادت خودت را عطا کن و عبادتم را با عجب فاسد مگردان. خدایا بر دستانم خیر و خدمت را برای همه مردم جاری کن و عملم را با منت‌گذاردن برآنان نابود نساز.

۱- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۵.

۲- صحیفه سجادیه، دعای بیستم، مکارم الاخلاق.

ص:۸۶

خدمت‌رسانی اگر همراه با منت باشد، مشکل روحی و روانی دریافت‌کنندگان خدمت، دشوارتر می‌شود؛ زیرا عزت و شرافت و شخصیت آنان پایمال می‌شود. ازاین‌رو منت آتشی بر خرمن خدمت همراه با خواری و ذلت است(۱)؛ زیرا یاری و خدمت به دیگران دو چهره دارد؛ اگر برای خدا باشد، عبادت است و اگر با ریا و منت باشد، خودپرستی و دوری از خداوند است. بنابراین نه تنها نباید در خدمت دیگران منت گذاشت، بلکه باید منت آنان را داشت که به‌وسیله آنان،

توفیق خدمت‌گزاری حاصل می‌شود و خیر و رحمت پروردگار را به دنبال می‌آورد.

۱- ر. ک: بقره: ۲۶۲ به بعد.

ص:۸۷

فصل پنجم: آثار خدمت‌رسانی

اشاره

ص:۸۸

ص:۸۹

پیامدهای معنوی خدمت‌رسانی

اشاره

آثار و برکات خدمت‌رسانی به زائران خانه حق، همه ابعاد زندگی دنیوی و اخروی و فردی و اجتماعی خدمت‌کننده را تحت تأثیر قرار می‌دهد و او را محبوب خدا، اولیا و مردم می‌گرداند. در پرتو این برکات، فضای روحی انسان آماده پذیرش روح دین، حقیقت توحید و تثبیت ملکات عالی انسانی می‌گردد و از او شخصیتی متعالی می‌سازد که شایستگی ارتباط ویژه با خدا و وصول به مقام حب را پیدا می‌کند. رتبه معنوی خدمت‌گزاران به حدی است که از توصیف انسان خارج است؛ مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. تقرب به خدا

در اسلام پس از ایمان به خدا و باورهای اصلی دین و انجام فرایض، ارجمندترین وسیله تقرب به خداوند متعال خدمت به دیگران است. امام‌باقر علیه السلام می‌فرماید:

أَوْحَی اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَی مُوسَی علیه السلام: أَنَّ مِنْ عِبَادِی مَنْ یَتَقَرَّبُ إِلَی بِالْحَسَنَهِٔ فَأُحَکِّمُهُ فِی الْجَنَّهِٔ. فَقَالَ مُوسَی: یَا رَبِّ وَ مَا تِلْکَ الْحَسَنَهُٔ؟

ص:۹۰

قَالَ: یَمْشِی مَعَ أَخِیهِ الْمُؤْمِنِ فِی قَضَاءِ حَاجَتِهِ قُضِیَتْ أَوْ لَمْ تُقْضَ.(۱)

خداوند به موسی وحی فرستاد: «برخی از بندگان من با نیکی به من تقرب می‌جویند و من در بهشت به آنان مکانت رفیع (فرمانروایی) می‌دهم» . موسی گفت: «پروردگار من، این حسنه و نیکی چیست؟» خداوند فرمود: «با برادر دینی خود برای برآوردن نیاز او به راه می‌افتد؛ خواه این نیاز برآورده شود یا نشود» .

خدمت به دیگران، بنده‌نوازی و بخشندگی به نیازمندان، قرب پروردگار، نزدیکی بهشت و مردمی‌شدن را به ارمغان می‌آورد. امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود

: «السَّخِی قَرِیبٌ مِنَ اللهِ قَرِیبٌ مِنَ الْجَنَّةِ قَرِیبٌ مِنَ النَّاس» (۲)؛ «سخاوتمند، نزدیک به خدا، به بهشت و به مردم است» .

۲. جلب محبت خدا

تمام سعی و تلاش بندگان خدا برای کسب محبت خداست. محبت پروردگار، جان‌مایه همه فضائل و کمالات و رسیدن به مقام حبّ است. از مهم‌ترین راه‌های جلب محبت خدا به خویشتن، خدمت و خیرخواهی برای مردم نیازمند است. در روایتی از معصوم علیه السلام وارد شده است:

أَلا وَ إِنَّ أَحَبَّ الْمُؤْمِنِینَ إِلَی اللهِ مَنْ أَعَانَ الْمُؤْمِنَ الْفَقِیرَ مِنَ الْفَقْرِ فِی دُنْیَاهُ وَ مَعَاشِهِ.(۳)

بدانید محبوب‌ترین مؤمنان نزد خدا کسی است که به جهت

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۹۵.

۲- همان، ج۴، ص ۴۱.

۳- تحف العقول، ص ۲۷۷.

ص:۹۱

مددرسانی و زدودن فقر مادی و معیشتی مؤمن نیازمند، تلاش نماید.

محبوب‌ترین افراد نزد خداوند چنین تعریف شده‌اند:

أَلْخَلْقُ عِيَالِى فَأَحَبُّهُمْ إِلَى أَلْطَفُهُمْ بِهِمْ وَ أَسْعَاهُمْ فِى حَوَائِجِهِم.(۱)

آفریـده‌ها (مردم) عائله و خانواده من هسـتند. محبوب‌ترین آنان نزد من کسانی‌انـد که با دیگران مهربان‌تر و در برآوردن نیازهایشان کوشاتر باشند.

از شـیخ جعفر مجتهـدی نقـل شـده اسـت: زمـانی که در مشـهد مقـدس سـکونت داشـتم، اطلاـع پیـدا کردم سـیدی از اولاـد فـاطمه علیهاالسـلام در کنار خیابان چادری زده و با اهل و عیال خود در آن زنـدگی می‌کند. با شـنیدن این خبر قرار و آرامش از من سـلب شـد. بعـد از تفحص از علت واقعه متوجه شدم که این سـید یک سال است به علت عدم توانایی مالی نتوانسـته اجاره‌اش را پرداخت کنـد و صاحب‌خـانه‌اش او را بیرون کرده است. فوراً به سـراغ صاحب‌خـانه او رفته و اجـاره و هزینه اجاره عقب افتاده‌اش را پرداخت کردم. آن‌گاه منزلی به مـدت یک سال اجاره و هزینه اجاره یک سال را جلو پرداخت کردم و وی را به خانه، منتقل و کلیـد خانه را به او دادم و گفتم: «این خانه از طرف حضرت رضا علیه السلام است» .

فقط خـدا می‌دانـد در آن روز آن سـید چقـدر خوشـحال شد، به‌طوری که از خوشـحالی اشک شوق می‌ریخت. همان شب در عالم خواب خدمت حضرت رضا علیه السلام مشرف شدم؛ آن حضرت به پاس این کار. . . محبت زیاد

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۹۹.

ص:۹۲

به من نمود و علومی را به من آموخت. آن بزرگوار فرمود: «آباد کردن و شاد کردن دل شکسته از مهم‌ترین اعمال سلوک الی الله است» .(۱)

۳. شادمانی پیامبر (ص) در خدمت به مردم

شخصی که برای رفع مشکل و نیاز مؤمنی گام برمی‌دارد، پیش از خوشحال کردن آن مؤمن، پیامبر (ص) و اولیای خدا را شادمان ساخته است. مسلّم است کسی که پیامبر از رفتار و کردارش مسرور گردد، آثار عنایات حضرت را در دنیا و آخرت به خود جلب کرده است. امام‌صادق علیه السلام می‌فرماید:

وَاللهِ لَرَسُولُ اللهِ (ص) أَسَرُّ بِقَضَاءِ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ إِذَا وَصَلَتْ إِلَيْهِ مِنْ صَاحِبِ الْحَاجَةِ. (۲)

به خدا سوگند هنگامی که حاجت مؤمن برطرف می‌شود و مشکل او حل می گردد، پیامبر (ص) از شخص حاجتمند شادتر می گردد.

بی‌جهت نبوده که اولیای الهی در راه خدمت به مردم چنان کوشا بوده‌اند که همه هستی و همه عزیزان خود را فدا می کردند.

امام خمینی (ره) در نیایش به این مطلب اشاره کرده و می‌فرماید: «خداوندا، در مسیر خدمت به بندگان، ما را تا مرز قربانی خود و فرزندان و هستی‌مان همراهی و مدد فرما!» .(۳)

۱- لاله‌ای از ملکوت، ص ۳۳۴.

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۹۵.

۳- صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۴۴.

ص:۹۳

۴. خدمت به مردم خدمت به پیامبر (ص)

اگر انسان به ژرفای تأثیری که عمل خدمت‌رسانی در عالم ملکوت و معنا دارد، پی ببرد و به ارزش و اهمیت کار خدمت‌رسانی آگاه باشد، هیچ‌گاه خدمت به مؤمن را در پس عمل خود نخواهد دید. بلکه طرف حساب خود را خدا و رسول خدا می‌داند. خدمت به مؤمن همانند خدمت به خدا و رسول خداست. چه سعادت و توفیقی از این بالاتر است که انسان به مقام خدمت‌گزاری خدا و رسولش (ص) نائل آید و کدام مدال افتخاری با ارزش‌تر از این است که انسان، خدمت‌رسان خدا و پیامبر (ص) باشد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

أَیُّمَا مُؤْمِنٍ أَوْصَلَ إِلَی أَخِیهِ الْمُؤْمِنِ مَعْرُوفاً فَقَدْ أَوْصَلَ إِلَی رَسُولِ‌الله (ص) .(۱)

هر مؤمنی که خیر و خدمتی به‌سوی برادر مؤمن خود روان سازد، بدون شک این خیر و خدمت را در حق پیامبر اکرم (ص) روا داشته است.

۵. خدمت‌گزاران بندگان خاص خدا

برخلاف نظر برخی که اسلام را دین زهد و کناره‌گیری از دنیا می‌شناسند، اسلام به همان اندازه که به احکام فردی اهمیت می‌دهد، به خدمت‌رسانی به بندگان خدا نیز توجه دارد.

۱- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۴۲۱؛ الحیاة، ج ۶، ص ۶۲۶.

ص:۹۴

امام رضا علیه السلام در این‌باره می‌فرماید:

وَاعْلَمُوا أَنَّکُمْ لا تَشْکُرُونَ اللّهَ تَعَالَی بِشَیءٍ بَعْدَ الإِیمَانِ بِاللّهِ وَ بَعْدَ الاعْتِرَافِ بِحُقُوقِ أَوْلِیَاءِ اللّهِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللّهِ (ص) أَحَبَّ إِلَیْهِ مِنْ مُعَاوَنَتِکُمْ لِإِخْوَانِکُمُ الْمُؤْمِنِینَ عَلَی دُنْیَاهُمُ الَّتِی هِیَ مَعْبَرٌ لَهُمْ إِلَی جِنَانِ رَبِّهِمْ فَإِنَّ مَنْ فَعَلَ ذَلِکَ کَانَ مِنْ خَاصَّةِ اللّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی.(۱)

بدانید که پس از ایمان به خداوند و پذیرش حقوق اولیای او از آل‌محمد (ص) هیچ عملی نزد پروردگار متعال محبوب‌تر از یاری‌رسانی برادران مؤمنتان در امور دنیایی آنها نیست؛ چه اینکه دنیا برای آنان راهی به‌سوی بهشت پروردگارشان است. بی‌شک آن که چنین کند، از خالصان درگاه خداوند تبارک و تعالی می‌باشد.

۶. برکات خدمت‌رسانی

از آثار خدمت‌رسانی به دیگران این است که خداوند جایگزین او در امور زندگی‌اش می‌شود و خیر و برکت از هر سو به‌سوی او سرازیر می گردد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ کَانَ فِی حَاجَةِ أَخِیهِ الْمُسْلِمِ کَانَ اللّهُ فِی حَاجَتِهِ.(۲)

هرکس در پی برآوردن حاجت برادر خود باشد، خداوند نیز در تدبیر نیازمندی‌هایش است.

برادری از برجسته‌ترین نمودهای جامعه دینی است. گره‌گشایی،

۱- عیون الاخبار، ج۲، ص۱۶۹.

۲- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۸۶.

ص:۹۵

همراهی و دستگیری از یکدیگر، عامل استحکام این برادری است که در قرآن کریم بر آن تاکید شده است. حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ قَضَی لأَخِیهِ الْمُؤْمِنِ حَاجَةً قَضَی اللهُ لَهُ حَوَائِجَ کَثِیرَةً.(۱)

کسی که حاجت برادر دینی خودش را برآورده نماید، خداوند بسیای از حاجت‌ها و خواسته‌هایش را برآورده خواهد کرد.

۷. نورانیت انسان

از آثار ارزشمند نیکی و خدمت به دیگران، نورانیت انسان به‌خصوص در ظلمت آخرت است. این نورانیت در پرتو ایمان و خدمت‌رسانی و احسان در دنیا کسب می‌شود.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: خداوند متعال فرموده است:

. . . وَ یُطْعِمُ الْجَائِعَ وَ یَکْسُو الْعَارِی وَ یَرْحَمُ الْمُصَابَ وَ یُؤْوِی الْغَرِیبَ فَذَلِکَ یُشْرِقُ نُورُهُ مِثْلَ الشَّمْسِ أَجْعَلُ لَهُ فِی الظُّلْمَةِ نُوراً.(۲)

[نماز را از کسی می‌پذیرم که] گرسنگان را خوراک و برهنگان را پوشاک و آسیب‌دیدگان را سامان و غریب بی‌پناه را پناه دهد. چنین کسی همانند خورشید درخشنده نورش آشکار می‌شود و من (خدا) برای او در ظلمات نور (هدایت) قرار می‌دهم.

یکی از افرادی که با وصول به لقاء معصومین علیهم السلام جمسش نورانی شد و با نورانیت تمام مستعد لقای خدا گردید، مرحوم آخوند «ملا عباس تربتی» بود.

۱- قرب الاسناد، ص ۵۶.

۲- تحف العقول، ص ۲۲۶.

ص:۹۶

مرحوم راشد نوشته‌اند:

پـدرم از قبل از بلوغ تا به آخر عمر، مواظبت شدیـد و دقیق بر انجام همه واجبات و مسـتحبات دینی داشت و خود را به هیـچ گناهی آلوده نکرد و از حوائـج دنیوی به کمترین حـد آن اکتفـاء نمود. . . . در همه عمر به مردم، بی‌دریغ و بیش از حـد توانـایی یـک فرد معمولی خـدمت کرد و مزدی از کسـی نخواست. . . . اگر کسـی (در مقابل خدمتشان) چیزی به او هدیه می‌کرد، همان دم آن را به دیگری می‌بخشید.

این عـالم بزرگوار یک هفته قبل از رحلت به محضـر معصومین علیهم السـلام بار یافت و یکپارچه نور شـده و از عالم فانی به حیات باقی منتقل شد. فرزندش می‌نویسد:

از جمله چیزهـایی که ما افراد خانواده از او دیـدیم. . . این بود که پـدرم یک هفته قبل از رحلت (که با گفتن کلمه مبارکه «لا اله الا الله» پرتو روحش از بدنش خارج شد) در روز یک‌شـنبه، ۲۴ مهر ۱۳۲۲ مطابق هفده شوال ۱۳۶۲ بعد از نماز صبح رو به قبله خوابید و عبـایش را بر روی چهره‌اش کشـید. ناگهـانماننـد آفتـابی که از روزنه بر جـایی بتابـد یا نورافکنی را متوجه جایی گرداننـد، روی پیکرش از سـر تا پا روشن شـد و رنگ چهره‌اش که به سـبب بیماری زرد گشـته بود، نورانی و شـفاف گردید؛ چنان‌که از زیر عبای نـازک که بر رخ کشـیده بـود، دیـده می‌شـد، تکـانی خـورد، گفت: «سـلام علیکم یـا رسـول الله. شـما به دیـدن این بنـده بی‌مقـدار آمده‌اید؟» پس از آن درست مانند اینکه کسانی یک به یک به

ص:۹۷

دیـدنش می‌آینـد، بر حضـرت امیرالمؤمنین علیه السـلام و یکایک ائمه علیهم السـلام تا امام دوازدهم سـلام می‌کرد و از آمدن آنها اظهار تشـکر می‌کرد. پس بر حضـرت فاطمه علیهاالسـلام سـلام کرد. پس بر حضـرت زینب علیهاالسـلام سـلام کرد. در اینجا خیلی گریست و گفت: «بی‌بی من برای شـما خیلی گریه کرده‌ام. . .» این حـالت تـا دو سـاعت از آفتـاب برآمـده دوام داشت. پس از آن، روشـنی‌ای که بر پیکرش می‌تابیـد از بین رفت و به حال عادی برگشت. . . و من هرچه اصـرار کردم که این چه حالتی بود جوابی به من نداد.(۱)

۸. پیوند دوام نعمت با خدمت‌گزاری

نعمتی که خداونـد به انسـان عطا می‌کنـد، چه بسـا ممکن است برآوردن نیاز دیگری را با آن پیونـد زده باشـد. اگر از آن نعمت به دیگران خیری برسد، نعمت دوام پیدا می‌کند و اگر از برآوردن نیاز دیگران خودداری شود، خود باعث زوال نعمت را فراهم آورده است.

امام علی علیه السلام به جابر بن عبدالله انصاری فرمود:

یَا جَابِرُ مَنْ کَثُرَتْ نِعَمُ اللهِ عَلَیْهِ کَثُرَتْ حَوَائِجُ النَّاسِ إِلَیْهِ فَمَنْ قَامَ لِلَّهِ فِیهَا بِمَا یَجِبُ فِیهَا عَرَّضَهَا لِلدَّوَامِ وَ الْبَقَاءِ وَ مَنْ لَمْ یَقُمْ فِیهَا بِمَا یَجِبُ عَرَّضَهَا لِلزَّوَالِ وَ الْفَنَاءِ.(۲)

ای جابر! کسی که نعمت‌های فراوان خدا به او روی کرد نیازهای فراوان مردم نیز به او روی آورد. پس اگر صاحب نعمتی حقوق

۱- فضیلت‌های فراموش شده، جلال رفیع، صص ۱۵۰ - ۱۹۴.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۳۷۳.

ص:۹۸

واجب الهی را بپردازد خداوند نعمت‌ها را بر او جاودانه سازد و آن کس که حقوق واجب الهی در نعمت‌ها را نپردازد خداوند آن را به زوال و نابودی کشاند.

هرچه در انجام امور مردم، روحیه خدمت‌گزاری قوی‌تر و کامل‌تر باشد، ارزش کار و کارگزار بیشتر است. در خدمت خودنمایی کردن و عمل خود را بزرگ شمردن، زمینه‌ساز زوال خدمت‌رسانی انسان می‌گردد. امام علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

لا یَسْتَقِیمُ قَضَاءُ الْحَوَائِجِ إِلَّا بِثَلاثٍ: بِاسْتِصْغَارِهَا لِتَعْظُمَ وَ بِاسْتِكْتَامِهَا لِتَظْهَرَ وَ بِتَعْجِيلِهَا لِتَهْنَأَ.(۱)

برآوردن نیازهای مردم پایدار نیست مگر به سه چیز: کوچک شمردن آن تا خود بزرگ نماید، پنهان داشتن آن تا خود آشکار شود و شتاب در برآوردن آن تا گوارا باشد.

۹. خدمت‌گزاری ذخیره ابدی

زندگی دنیا و نقد عمر، سرمایه‌ای است که در تجارت و کسب سود می‌تواند توشه مفید برای آخرت و زندگی ابدی انسان فراهم کند. هیچ ذخیره‌ای برای آخرت بهتر از خدمت به بندگان خدا نیست. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«وَ لا تِجَارَةَ كَالْعَمَلِ الصَّالِحِ»(۲)؛ «و هیچ تجارتی مثل کار نیک نیست» .

همچنین می‌فرماید:

۱- نهج البلاغه، حکمت ۱۰۱.

۲- همان، حکمت ۱۱۳.

ص:۹۹

اَلمَعروفُ کَنزٌ مِنْ اَفضَلِ الکُنُوزِ، وَ زَرعٌ مِنْ أنْمَی الزَّرعِ فَلا تَزهَدُوا فیه وَلا تَمَلُّوا.(۱)

خوبی و خدمت گنجی است از بهترین گنج‌ها و کشتزاری است از پررویش‌ترین کشت‌ها. پس به آن بی‌رغبت، خسته و ناراحت نشوید.

امام رضا علیه السلام نیز می‌فرماید:

«وَ الْعُرْفُ ذَخِیرَةُ الأَبَد»(۲)؛ «نیکوکاری پس‌انداز جاودانی است» .

چه گنجی بهتر از ذخیره‌سازی در لوح فشرده جان انسان و نامه اعمال و چه روز نیازی بیشتر از قیامت.

مردی از بزرگان جبل هر سال به زیارت مکه مشرف می‌شد و در بازگشت در مدینه محضر امام صادق علیه السلام می‌رسید. یک بار پیش از سفر به حج خدمت امام علیه السلام رسید و ده هزار درهم به ایشان داد و گفت: «تقاضا دارم با این مبلغ خانه‌ای برایم بخرید» . سپس به قصد زیارت مکه از محضر امام مرخص شد. پس از ادای مراسم حج خدمت امام صادق علیه السلام رسید. حضرت او را به خانه برد و نوشته‌ای به او داد فرمود:

خانه‌ای در بهشت برایت خریدم که حد اول آن به خانه محمد مصطفی (ص) ، حد دومش به خانه علی علیه السلام و حد سومش به خانه حسن مجتبی علیه السلام و حد چهارمش به خانه حسین بن علی علیه السلام متصل است.

۱- معجم المحاسن و المساوی، ج ۱، ص ۳۶۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۹۴.

۲- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۵۵.

ص:۱۰۰

او این سخن را از امام پذیرفت. حضرت آن مبلغ را میان فقرا و نیازمندان از فرزندان امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام تقسیم کرد.

مرد جبلی به وطن خود بازگشت. چون مدتی گذشت آن مرد مریض شد. بستگان خود را احضار کرد و گفت: «من می‌دانم آنچه امام‌صادق علیه السلام فرموده حقیقت دارد. خواهش می‌کنم این نوشته را با من دفن کنید» .

پس از مدت کوتاهی از دنیا رفت و بنابر وصیتش آن نوشته را با او دفن کردند. روز دیگری که آمدند دیدند مکتوبی با خط سبز روی قبر اوست که در آن نوشته شده بود: «به خدا سوگند جعفر بن محمد علیه السلام به آنچه وعده داده بود، وفا کرد» .(۱)

زهری می گوید:

در شبی تاریک و سرد علی بن الحسین علیه السلام را دیدم که مقداری آذوقه بر دوش داشت. گفتم: «یابن رسول الله این چیست و به کجا می‌برید؟» حضرت فرمود: «زهری من مسافرم. این توشه سفر من است. می‌برم در جای محفوظی بگذارم [تا به هنگام مسافرت بی‌توشه نباشم]» . گفتم: «یابن رسول الله! این غلام من است، اجازه بفرما بار را به دوش بگیرد و هر جا می‌خواهی ببرد» . فرمود: «تو را به خدا بگذار من خود بار را ببرم تو راه خود بگیر و برو. با من کاری نداشته باش» . زهری بعد از چند روز حضرت را دید. عرض کرد: «یابن رسول الله من از آن سفری که آن شب درباره‌اش سخن

۱- بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۱۳۴.

ص:۱۰۱

می‌گفتی اثری ندیدم» . فرمود: «سفر آخرت را می‌گفتم. سفر مرگ در نظرم بود که برای آن آماده می‌شدم» . [پس ذخیره‌سازی آخرت را چنین فرمود]: «آمادگی برای مرگ، با دوری جستن از حرام و خیرات دادن به دست می‌آید» .(۱)

۱۰. ایمنی از عذاب قیامت

کسی که نیاز برادر مؤمن خود را برآورد، در منطق دین به مقام بندگی خدا بار یافته است؛ مقامی که پیامبر (ص) را به این مقام می‌ستاییم. حضرت‌رضا علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ لِلَّهِ عِبَاداً فِی الْأَرْضِ یَسْعَوْنَ فِی حَوَائِجِ النَّاسِ هُمُ الْآمِنُونَ یَوْمَ الْقِیَامَهِْ.(۲)

خداوند را روی زمین بندگانی است که کارشان تلاش برای رفع نیاز و حاجت مردم است. آنان روز قیامت [از عذاب] ایمن و آسوده‌اند.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

وَ مَنْ فَرَّجَ عَنْ مُؤْمِنٍ کُرْبَهًْ مِنْ کُرَبِ الدُّنْیَا فَرَّجَ اللهُ عَنْهُ کُرْبَهًْ مِنْ کُرَبِ الآخِرَهِْ.(۳)

هرکسی غمی از غم‌های دنیا را از مؤمنی برطرف کند، خداوند غمی از غم‌های آخرت را از او برطرف نماید.

۱- بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۶۵.

۲- کافی، ج۲، ص۱۹۷.

۳- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۳۲.

ص:۱۰۲

۱۱. بهشت حاصل خدمت‌رسانی

از سخنان معصومان این گونه فهمیده می‌شود که نه تنها راه وصول به رضوان الهی منحصر در عبادت‌های فردی نیست، بلکه خدمات اجتماعی و خیررسانی به مردم، بیش از عبادت فردی، آدمی را به بهشت الهی رهنمون می‌سازد. در روایتی از پیامبر اسلام (ص) آمده است:

همانا خداوند متعال فقرا و اغنیا را در روز قیامت در میدان وسیع جمع نموده، سپس از عرش ندا دهنده‌ای با صدای بلند می گوید: «ای مؤمنان، هرکس به فردی از شما عنایت کرده و خدمتی به شما نموده و او بر سفره‌اش مقداری نان و خورش داده، می‌تواند در فرصتی که دارد او را به همراه خود به بهشت ببرد» . در این روز افراد به نیکی همدیگر را می‌شناسند. مردی می‌آید و بازوی برادرش را که او را در دنیا مورد اکرام و خدمت خود قرار داده، می گیرد و می گوید: «برادر، مرا می‌شناسی؟ یادت هست در فلان روز فلان خدمت و فلان عنایت را در حق من روا داشتی؟» و یک یک کارهای خوب او را متذکر می‌شود، می گوید: «برویم» . مردی که غنی بوده و اهل خیر و خدمات، می‌پرسد: «کجا برویم؟» مرد فقیر می گوید: «به بهشت برویم که خدای متعال به من اجازه داده خود و همراهم را به بهشت ببرم» . سپس او را به سبب رحمت و کرامت و فضلی که خداوند برایش قائل شده، به بهشت می‌برد.(۱)

عبادت‌های فردی و اجتماعی، در درجه اول برای خودسازی و

۱- ارشاد القلوب، دیلمی، ج۱، صص ۱۵۸ و ۱۵۹.

ص:۱۰۳

پرورش روح است و این پاداش‌ها و ثواب‌ها نظیر جایزه‌هایی است که برای تشویق داده می‌شود.

امام علی علیه السلام از قول رسول خدا (ص) می‌فرماید:

هرکس برادر دینی خود را بپوشاند خداوند بر او حریر بهشتی بپوشاند. هرکس تشنه‌ای را سیراب نماید، خداوند او را از نوشابه‌های بهشتی بنوشاند، آن‌کس که برادر خود را طعام دهد، خداوند او را از خوردنی‌های بهشتی بخوراند. هرکس برادر خود را بر مرکب خویش سوار کند، خداوند برای او مرکب‌های بهشتی مهیا می‌سازد و هرکس برای برادر دینی خود زن تزویج کند و او را از تنهایی درآورد، خداوند از حوریان بهشتی به او تزویج نماید.(۱)

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

خداوند گروهی از بندگانش را برای گره‌گشایی و رفع نیاز و کمک به مستمندان و شیعیان برگزیده است تا در مقابل این خدمت، بهشت را به عنوان ثواب به آنان عطا کند، اگر بتوانی از آنان باشی باش.(۲)

پیامبر خدا (ص) فرمود:

إِنَّ لِلْجَنَّةِ بَاباً یُقَالُ لَهُ بَابُ الْمَعْرُوفِ لا یَدْخُلُهُ إِلَّا أَهْلُ الْمَعْرُوف.(۳)

بهشت دری به نام «باب المعروف» دارد که جز نیکوکاران و خدمت‌رسانان، از آن در داخل بهشت نمی‌شوند.

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۹۲؛ الحیاة، ج ۵، ص ۱۶۳.

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۹۲.

۳- قرب الاسناد، ص ۲۰؛ معانی الاخبار، ص ۴۰۹.

ص:۱۰۴

در آن وانفسای آخرت، «اهل المعروف» افرادی ویژه و دارای بوی خوشند و آنجا نیز به بذل و بخشش می‌پردازند. از پیامبر گرامی (ص) و از امام صادق علیه السلام روایت است:

نیکوکاران دنیا، در آخرت نیز اهل نیکوکاری و معروفند. گناهانشان آمرزیده و حسناتشان زیاد است. ازاین‌رو از حسنات خود به گنهکاران می‌بخشند؛ زیرا خدا به آنان می‌فرماید: «از باب تفضل، گناهانتان را آمرزیدم؛ چون در دنیا اهل معروف بودید وحسنات شما موجود و محفوظ است. به هر که می‌خواهید ببخشید، تا با این کار در جهان آخرت نیز اهل معروف بشوید. . .» .(۱)

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

از باب «ریان» جز روزه‌داران کسی وارد نمی‌شود.(۲)یکی از درهای بهشت، معروف، یعنی نیکوکاری نام دارد و معیارش هر کار خیری است که عقل و شرع، خوبی آن را به رسمیت بشناسد.

پیامبر خدا (ص) می‌فرماید: «اهل معروف در این جهان، در آخرت نیز اهل معروفند» .(۳)

حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

یاران رسول خدا (ص) عرض کردند: «یا رسول الله، پدر و مادرمان به

۱- معجم المحاسن و المساوی، ج ۱، صص ۳۴۷، ۳۵۲ و ۳۵۳؛ امالی، شیخ طوسی، ج ۱، ص۳۱۱؛ بحارالانوار، ج۷۱، ص ۴۱۲.

۲- میزان الحکمه، ج ۲، ص۱۰۳.

۳- کافی، ج ۴، ص ۲۹.

ص:۱۰۵

قربانت! نیکوکاران در دنیا به جهت خدمت و کارهای خوبشان شناخته شده‌اند، ولی در آخرت چگونه شناخته می‌شوند؟» در پاسخ فرمود: «آن هنگام که خدای تبارک و تعالی بهشتیان را وارد بهشت کند، به نسیمی خوشبو و معطر و پاکیزه دستور می‌دهد که به اهل معروف بوزد. پس از آن هیچ فردی از آنان نیست که از کنار جمعیت زیادی از اهل بهشت بگذرد، مگر همه آنان بویش را بیابند و بگویند: «این شخص اهل نیکوکاری است» .(۱)

پیامدهای دنیوی خدمت‌رسانی

خدمت‌گزاران افزون بر پاداش اخروی، اجر دنیوی نیز دریافت می‌کنند؛ از جمله پشتیبانی پروردگار، برآورده شدن حاجات و نیازها، رهایی از فقر، زیادی روزی، طول عمر، آبادانی دنیا، پیشگیری از هفتاد نوع مرگ بدفرجام. پیامبر گرامی (ص) فرمود:

اللهُ فی عَونِ العَبدِ ما کانَ الْعَبدُ فی عَونِ أخیه.(۲)

تا وقتی انسان در حال رسیدگی به کار برادر مؤمن خویش است، خداوند یار و مددکارش است.

ایشان در کلامی دیگر فرمودند:

أَلْبِرُّ وَ الصَّدَقَةُ یَنْفِیَانِ الْفَقْرَ وَ یَزِیدَانِ فِی الْعُمُرِ وَ یَدْفَعَانِ سَبْعِینَ مِیتَةَ السَّوْء.(۳)

۱- کافی، ج ۴، ص ۲۹؛ المحاسن و المساوی، ج ۱، ص ۳۴۴.

۲- عوالی اللئالی، ج۱، ص۱۰۷.

۳- مکارم الاخلاق، طبرسی، ص ۱۳۶.

ص:۱۰۶

نیکی و صدقه فقر را می‌زداید، عمر را طولانی کرده و از هفتاد نوع مرگ بد پیشگیری می کند.

حضرت در سخنی یکی از آثار نیکی به دیگران را آبادانی دنیا برشمرده‌اند:

اَلبِرُّ وَ حُسْنُ الْجِوَارِ زِیَادَةٌ فِی الرِّزقِ وَ عِمارَةٌ فِی الدُّنیا.(۱)

نیکی و برخورد پسندیده با همسایگان، سبب فزونی رزق و آبادانی دنیاست.

یکی از آثار دنیوی خدمت‌گزاری، محبوبیت خدمت‌گزار در دل‌های مردم است. در پرتو خدمت به مردم، سیادت و سروری به دست می‌آید. رسول اکرم (ص) می‌فرماید:

«سَیِّدُ القَومِ خادِمُهُم»(۲)؛ «آقای هر قومی، خدمت‌گزار آنان است» .

در واقع عزت و محبوبیت پیش مردم در گرو خدمت‌گزاری به آنان است.

خادمان مردم در عرش دل‌های مؤمنان جای دارند و فاتح دژ قلب‌ها می‌شوند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «هرکس نیکی خویش را به دیگران نثار کند، دل‌ها به او گرایش می‌یابد» .(۳)

یکی از جهاتی که پیامبر (ص) و ائمه اطهار علیهم السلام و اولیای الهی محبوب‌ترین افراد نزد مؤمنان بوده‌اند، این بوده است که آنان در خدمت‌گزاری پیشگام بوده‌اند.

۱- آثار الاعمال و منافع الافعال، ج ۳، ص ۲۰.

۲- میزان الحکمه، ج ۴، ص۵۷۸.

۳- غرر الحکم و درر الکلم، ج۵، ص۳۸۳.

ص:۱۰۷

در روایات پاداش نیکوکاری به مردم استجابت دعای خدمت‌پذیر در حق خدمت‌گزار بیان شده است. امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

مَا مِنْ رَجُلٍ تَصَدَّقَ عَلَی مِسْکِینٍ مُسْتَضْعَفٍ فَدَعَا لَهُ الْمِسْکِینُ بِشَیءٍ تِلْکَ السَّاعَةَ إِلَّا اسْتُجِیبَ لَه.(۱)

کسی را نمی‌یابید که به شخص بیچاره مستضعفی صدقه بدهد و آن بیچاره در آن ساعت برای صدقه‌دهنده در مورد چیزی دعا کند، جز آنکه دعا در حق او مستجاب شود.

در سفر معنوی حج و عمره نیز که افراد هنگام ورود به مکه و روبه‌رو شدن با کعبه حاجت و درخواست‌هایی ویژه از پروردگار دارند، و برآوردن آن نهایت آرزوی آنهاست. پیشوایان معصوم فرموده‌اند اگر کسی بخواهد که خداوند گرفتاری‌هایش را برطرف سازد، مهم‌ترین وسیله جلب توجه پروردگار خدمت‌گزاری و دستگیری همسفران و مهمانان پروردگار است. رسول خدا (ص) فرمود:

مَن اَرادَ اَنْ تُستَجابَ دَعوتُه، وَ اَنْ تُکْشَفَ کُرْبَتُهُ فَلیُفرِّجْ عَنْ مُعْسِرٍ.(۲)

هرکس بخواهد دعایش مستجاب شود و غمش از بین برود، تنگ‌دستی را گشایش دهد.

پیامدهای ترک خدمت‌رسانی

۱. کفران نعمت الهی

لطفی که خداوند به ثروتمندان کرده این است که آنان را امانتدار

۱- بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۱۴۴.

۲- نهج الفصاحه، ص ۵۰۵.

ص:۱۰۸

ثروتی که مالک حقیقی آن خودش است، قرار داده و از نعمت‌های خود آنها را بهره‌مند کرده است. لطف دومی که خداوند به برخی انسان‌های ثروتمند می‌کند، نعمت گره‌گشایی نیازمندان به دست آنهاست که همواره بر هر دو نعمت شکر خدا واجب است.

از مصادیق شکر نعمت‌های پروردگار، بهره‌مند ساختن فقیران از آن نعمت است.

امام حسین علیه السلام می‌فرمایند:

إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللهِ عَلَيْكُمْ فَلا تَمَلُّوا النِّعَم.(۱)

همانا مراجعه مردم به شما برای رفع نیازمندی‌هایشان از نعمت‌های خداست. پس از نعمت [که به صورت عرض حاجت دیگران جلوه نموده] خسته و ملول نگردید.

امام کاظم علیه السلام نیز رجوع نیازمندان برای رفع حاجت را رحمت الهی دانسته و فرموده است:

کسی که برادر مؤمن حاجتمند او نزد وی برود و نیازش را برطرف سازد، رحمتی است که خدا به‌سوی او فرستاده است.(۲)

امام صادق علیه السلام فرمود:

کسی که برای حاجتی نزد من می‌آید، از ترس اینکه نکند حاجت او از طریق شخص دیگری برآورده شود، زودتر اقدام می‌کنم تا این توفیق نصیب من گردد.(۳)

۱- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۱۸.

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۹۶.

۳- بحارالانوار، ج ۷۱، صص ۲۸۶ و ۳۱۷.

ص:۱۰۹

۲. خروج از جرگه مسلمانی

ترک خدمت به نیازمندان در هر امری با وجود فراهم بودن زمینه آن پیامدهای زیانباری در دنیا و آخرت برای انسان به دنبال دارد. اگر خدمت نکردن به مردم از روی بی‌توجهی به نیازمندی‌ها و امور زندگی مردم باشد، در این صورت مسلمان واقعی نخواهد بود. رسول اکرم (ص) می‌فرماید:

مَنْ أَصْبَحَ لا یَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِینَ فَلَیْسَ بِمُسْلِمٍ.(۱)

هرکس صبح کند و همتش خدمت به مسلمانان نباشد، مسلمان نیست.

۳. محرومیت از خدمت به دیگران

اگر کسی گامی برای نیازمندان برندارد، گام‌های بسیاری را از خدمت‌رسانی به خودش منصرف کرده است و خود را از خدمات ظاهری و باطنی، مادی و معنوی محروم ساخته است. امام صادق علیه السلام دراین‌باره می‌فرماید:

مَنْ کَفَّ یَدَهُ عَنِ النَّاسِ فَإِنَّمَا یَکُفُّ عَنْهُمْ یَداً وَاحِدَةً وَ یَکُفُّونَ عَنْهُ أَیْدِیاً کَثِیرَة.(۲)

هرکس دست از کمک مردم باز دارد، یک دست از آنان بازداشته درحالی‌که در مقابل، دست‌های بسیاری از او بازداشته خواهد شد.

۱- سفینة البحار، ج ۲، ص ۷۲۳.

۲- کافی، ج ۲، ص ۶۴۳.

ص:۱۱۰

۴. بی‌توجهی خدا در قیامت

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

هر صاحب منصبی که از راه‌اندازی و رفع مشکلات مردم کناره‌گیری کند، خداوند در روز قیامت از او کناره‌گیری خواهد کرد. . . و اگر از مردم رشوه بگیرد، مشرک است.(۱)

۵. خدمت در مسیر باطل

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

لَمْ یَدَعْ رَجُلٌ مَعُونَةَ أَخِیهِ الْمُسْلِمِ حَتَّی یَسْعَی فِیهَا وَ یُوَاسِیَهُ إِلَّا ابْتُلِیَ بِمَعُونَةِ مَنْ یَأْثَمُ وَ لا یُؤْجَر.(۲)

هیچ مردی کمک کردن به برادر مسلمانش و کوشش در راه کمک به او و همدردی و همیاری با وی را رها نکند، مگر آنکه گرفتار کمک به کسی شود که در آن گنهکار شود و اجری نبرد.

همچنین می‌فرماید:

أَیُّمَا رَجُلٍ مِنْ شِیعَتِنَا أَتَی رَجُلًا مِنْ إِخْوَانِهِ فَاسْتَعَانَ بِهِ فِی حَاجَتِهِ فَلَمْ یُعِنْهُ وَ هُوَ یَقْدِرُ إِلَّا ابْتَلاهُ اللهُ بِأَنْ یَقْضِیَ حَوَائِجَ غَیْرِهِ مِنْ أَعْدَائِنَا یُعَذِّبُهُ اللهُ عَلَیْهَا یَوْمَ الْقِیَامَهْ. (۳)

هر مردی از شیعیان ما نزد یکی از برادرانش رود و برای حاجتش از او کمک بخواهد و آن مرد بتواند کمک کند و نکند، خداوند

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۶۳.

۲- کافی، ج ۲، ص ۳۶۶.

۳- همان.

ص:۱۱۱

او را به برآوردن نیازهای شخص دیگری از دشمنان ما مبتلا کند و بدان سبب او را در روز قیامت عذاب نماید.

رسول خدا (ص) نیز می‌فرماید:

مَنْ مَنَعَ مَالَهُ مِنَ الأَخْيَارِ اخْتِيَاراً صَرَفَ اللهُ مَالَهُ إِلَى الأَشْرَارِ اضْطِرَاراً.(۱)

هر که مال خود را به اختیار از نیکان دریغ کند، خداوند مالش را به اجبار نصیب بَدان گرداند.

۱- جامع الاخبار، ص ۵۰۵.

ص:۱۱۲

ص:۱۱۳

فصل ششم: راهکارهای نهادینه‌کردن فرهنگ خدمت‌رسانی

اشاره

ص:۱۱۴

ص:۱۱۵

یکی از ویژگی‌های خداوند احسان و نیکی به بندگان است که از بندگانش هم خواسته است خدمت‌گزار هم باشند؛ آن‌چنان قرآن به نیکوکاری و تعاون سفارش می‌کند که فهمیده می‌شود دین ملازم با احسان و نیکوکاری است. وقتی مسلمان به کمال می‌رسد که خدمت به نیازمند خُلق‌وخو و جزو برنامه زندگی او شود و بدون نیاز به انگیزه‌های بیرونی، از درون به یاری دیگران مایل شود.

علی علیه السلام می‌فرماید:

«الْمُؤْمِنُ. . . بَذُولُ الإِحْسَانِ»(۱)؛ «مؤمن دائم به کار احسان و نیکی است» .

و نیز می‌فرماید:

«نِظَامُ الْكَرَمِ مُوَالاةُ الإِحْسَانِ» (۲)؛ «قائده بزرگواری و شرط کرم، احسان پیاپی و خدمات پیوسته است» .

کوچک شمردن سختی‌های خدمت

راز موفقیت در خدمات مردمی و خیرات این است که کارها را از آغاز، هرچه بزرگ و سنگین باشد، آن را دشوار ندانیم و در عمل و انجام

۱- غرر الحکم، ج ۲، ص ۹.

۲- همان، ج ۶، ص ۱۸۴.

ص:۱۱۶

آن دچار ناتوانی، شک و تردید و وسوسه‌های شیطانی نشویم.

باید از همان ابتدا به گشایش در کار اندیشید؛ چنانچه به‌خاطر آماده نبودن مقدمات کار وارد عمل نشویم و آن را به تأخیر بیندازیم، ممکن است از اصل کار محروم شویم. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

رَأَیتُ الْمَعْرُوفَ لا یَتِمُّ إِلَّا بِثَلاثٍ: تَعْجِیلِهِ وَ سَتْرِهِ وَ تَصْغِیرِهِ.(۱)

کار خیر به کمال نمی‌رسد، جز با سه شرط: شتاب در آن، مخفی نگه داشتن آن و کوچک‌شمردن.

زیرا اگر به تسویف در عمل خیر گرفتار آییم، به امروز و فردا کردن مبتلاـ می‌شویم که گفته‌اند: «للتأخیر آفات» . و همین‌طور اگر پیش از انجام کار آن را علنی و تبلیغ کنیم، دشمنان و حسودان در مقابل سنگ‌اندازی می کنند و چه بسا مانع کار خیر شوند.

استقامت در خدمت‌گزاری

انسان در خدمت‌کردن نباید از مردم چشم‌داشتی داشته باشد، بلکه باید آن را به خاطر تقرب به خدا و جلب محبت پروردگار انجام دهد. در این صورت، پشتوانه خدمت‌رسانی پایان‌ناپذیر و مسیر خدمت روز به روز پُررهروتر خواهد شد. امام علی علیه السلام فرمود:

اگر به کسی خوبی کنی در واقع با این کار خودت را گرامی داشته‌ای و به خودت آبرو داده‌ای. پس به سبب آن خوبی که به خودت کرده‌ای از دیگران سپاسگزاری مخواه.(۲)

۱- امالی، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۹۴.

۲- غرر الحکم، ج۳، ص۱۰۴.

ص:۱۱۷

خدا سپاسگزار خدمت‌رسانان

مردم نه تنها از خدمت انبیا و ائمه علیهم السلام قدردانی نکرده‌اند، بلکه معمولاً آنها را آزرده‌اند و نمک‌نشناسی کرده‌اند. قرآن کریم درباره انبیای گذشته می‌فرماید:

اعْمَلُوا آلَ داوُدَ شُكْراً وَ قَلِيلٌ مِنْ عِبادِيَ الشَّكُورُ (سباء: ١٣)

ای خاندان داود، شکر [این همه نعمت را] به‌جا آورید، ولی عدهٔ کمی از بندگان من شکرگزارند.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

كَانَ رَسُولُ اللهِ (ص) مُكَفَّراً لا يُشْكَرُ مَعْرُوفُهُ. . .(۱)

رسول خدا (ص) مورد ناسپاسی بود و از کارهای خوب و خدماتش قدرشناسی نمی‌شد.

پیامبر (ص) فرمود:

أَفْضَلُ النَّاسِ عِنْدَ اللهِ مَنْزِلَةً وَ أَقْرَبُهُمْ مِنَ اللهِ وَسِيلَةً الْمُحْسِنُ يُكَفَّرُ إِحْسَانُهُ. . . .(۲)

ارجمندترین و مقرب‌ترین مردان نزد خداوند شخص نیکوکاری است که از احسان او قدردانی نمی‌شود.

تقدیر و تشویق

یکی از عوامل گسترش فرهنگ خدمت‌رسانی، سپاس‌گزاری از خدمت‌گزاران است. ناسپاسی مانع خیر و نیکوکاری است؛ امام علی علیه السلام

۱- بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۳ و ج ۶۷، ص ۲۶۰.

۲- میزان الحکمه، ج۲، ص۱۴۹۳؛ النوادر، راوندی، ص۹.

ص:۱۱۸

به مالک اشتر می‌فرماید: «مبادا نیکوکار و بدکردار در دیده‌ات برابر آید که رغبت نیکوکار را در نیکی کم کند و بدکردار را به بدی وادار نماید» .(۱)

در منابع روایی ناسپاسی‌ها راهزنان خیر و نیکی معرفی شده‌اند. امام‌صادق علیه السلام می‌فرماید:

خدا لعنت کند کسانی را که راه خیر را می‌بندند. آنان کسانی‌اند که ناسپاسی می‌کنند. در نتیجه مانع از این می‌شود که نیکوکار به دیگری نیکی کند.(۲)

در برابر خدمتی که کارگزاران، کارمندان و روحانیون به زائران بیت‌الله الحرام می‌کنند، وظایفی نیز به عهده زائران قرار می‌گیرد که مهم‌ترین آن قدرشناسی و تشکر از زحمات آنان است. این وظیفه‌ای است که خداوند از هر انسانی در برابر نیکی و خدمت دیگران خواسته است. چنان‌که در قرآن فرموده است: هَلْ جَزاءُ الْإِحْسانِ إِلَّا الْإِحْسانُ ؛ «آیا جزای نیکی جز نیکی است؟» . (الرحمن:۶۰)

هرچه فرهنگ قدردانی در میان مردم مسلمان گسترش یابد، خیرات و برکات نیز افزوده خواهد شد. در مقابل از ناسپاسی در اسلام به راهزن خیر تعبیر شده است. زائران برای دلگرمی و تداوم خدمت و خیراندیشی وظیفه دارند زحمت خدمت‌گزاران را بی‌پاسخ نگذارند.

در سخنان معصومان علیهم السلام تشکر از مردم، تشکر از پروردگار معرفی شده است و کسی از پروردگار سپاس‌گزارتر است که از مردم

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۳۹.

ص:۱۱۹

سپاس گزارتر باشد؛ چنان‌که امام سجاد می‌فرماید:

أَشْكَرُكُمْ لِلَّهِ أَشْكَرُكُمْ لِلنَّاس.(۱)

سپاس گزارترین شما از خدا کسی است که از مردم بیشتر سپاس گزاری کند.

سپاس گزاری باعث تشویق، شور و شوق و ازدیاد نعمت می گردد. گذشته از آن خدای متعال نیز دوست دارد از بندگان خدمت‌گزارش سپاس گزاری شود.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعِمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ الله.(۲)

هر که از مردم نعمت‌رسان سپاس گزاری نکند، از خدای سپاس گزاری نکرده است.

از پیامبر (ص) رسیده است:

«مَنْ لا يَشْكُرُ النَّاسَ لا يَشْكُرُ الله»(۳)؛ «کسی که مردم را سپاس نگوید، شکر خدا را هم انجام نمی‌دهد» .

در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام آمده است:

وَ أَمَّا حَقُّ ذِي الْمَعْرُوفِ عَلَيْكَ فَأَنْ تَشْكُرَهُ وَ تَذْكُرَ مَعْرُوفَهُ.(۴)

و حق کسی که صاحب نیکی بر توست این است که سپاس گزار او باشی و کار نیک او را یاد کنی.

البته اگر از خدمت‌گزاران تقدیر نشود نباید به خود احساس رخوت

۱- کافی، ج ۲، ص ۹۹.

۲- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۱۵۳.

۳- نهج الفصاحه، ص ۱۲۰۲.

۴- تحف العقول، رساله حقوق امام سجاد۷، ص ۲۶۵.

ص:۱۲۰

و سستی راه دهند؛ زیرا دست رحمت الهی همواره بر سر آنان گسترده است. رسول خدا (ص) می‌فرماید:

یَدُ اللهِ تَعَالَی فَوْقَ رُئُوسِ الْمُکَفَّرِینَ تُرَفْرِفُ بِالرَّحْمَهْ.(۱)

دست خدای تعالی بر فراز سر افرادی که خوبی‌هایشان نادیده گرفته می‌شود، رحمت می گستراند.

قدرشناسی سیره پیشوایان دین

ائمه معصوم علیهم السلام با دعا و جملات زیبا از خدا و بندگان خدا شکرگزاری و سپاس گزاری می کردند. امام جواد علیه السلام با فرستادن نامه از شخصیت‌های خدمت گزار تشکر می کرد. یکی از شخصیت‌های مورد توجه امام جواد علیه السلام «علی بن مهزیار اهوازی» بود. «حسن‌بن شمعون» می گوید:

نامه‌ای را که امام جواد علیه السلام با دست‌خط مبارک خود به علی بن مهزیار نوشته بود، خواندم. چینن نوشته بود: «به نام خداوند بخشنده مهربان. ای علی بن مهزیار! خدا بهترین پاداش را به تو عنایت کند. منزلت را در بهشت قرار دهد. . . . ای علی! تو را در خیرخواهی، فرمانبرداری از خداوند، احترام به دیگران، انجام وظایف دینی، آزمایش کردم، تو را پسندیدم. . . . ای علی! در سرما و گرما در شب و روز خدمت تو برای ما مخفی نیست. از خداوند مسئلت دارم روز رستاخیز تو را آن‌چنان مشمول رحمت خود قرار دهد که مورد غبطه دیگران باشی، خداوند شنونده دعا است» .(۲)

۱- علل الشرائع، ج۲، ص ۵۶۰.

۲- بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۱۰۵؛ داستان‌های بحار، ج ۴، ص ۱۳۴.

ص:۱۲۱

کتابنامه

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. ارشاد القلوب دیلمی، محمدحسن دیلمی، ترجمه: سید عباس طباطبائی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳ه. ش.

۲. امالی، محمد بن حسن طوسی، چاپ اول، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ه. ق.

۳. امالی، محمد بن نعمان (شیخ مفید) ، تحقیق: حسین استاد ولی و علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۴. امدادهای غیبی در زندگی بشر، مرتضی مطهری، صدرا، بی‌تا.

۵. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، مؤسسهٔ الوفاء.

۶. تحف العقول عن اخبار آل الرسول، حسین بن علی حرانی، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۴ه. ق.

۷. تفسیر المیزان، محمدحسین طباطبائی، ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، کانون انتشارات محمدی، ۱۳۷۰ه. ش.

ص:۱۲۲

۸. تهذیب الاحکام، محمدبن‌حسن طوسی، تهران، دارالکتب الاسلامیهٔ، ۱۳۶۵ه. ش.

۹. جامع الاخبار، تاج‌الدین قشیری، قم، انتشارات رضی، ۱۳۶۳ه. ش.

۱۰. الحیاهٔ، محمد و محمدرضا و علی حکیمی، چاپ ششم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۱۱ه. ق.

۱۱. سفینهٔ البحار، شیخ عباس قمی، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۴۱۶ه. ق.

۱۲. شرح نهج البلاغه، عز الدین عبدالحمید بن ابی‌الحدید معتزلی، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۳۸۷ه. ق.

۱۳. صحیفه امام، سید روح الله موسوی خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) ، ۱۳۸۵ه. ش.

۱۴. صحیفه سجادیه، امام زین العابدین علیه السلام , تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۶ه. ش.

۱۵. علل الشرایع، علی بن بابوبه قمی (شیخ صدوق) ، نجف اشرف، مکتبهٔ الحیدریه.

۱۶. عیون اخبار الرضا علیه السلام، علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق) ، بیروت، مؤسسه اعلمی.

۱۷. غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصحیح و تعلیق: میر جلال الدین حسینی ارموی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات دانشگاه، ۱۳۷۳ه. ش.

۱۸. فضیلت‌های فراموش شده، حسنعلی راشد، با مقدمه جلال رفیع، چاپ دهم، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۵ه. ش.

۱۹. قرب الاسناد، عبدالله بن جعفر الحمیدی، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۳ه. ق.

ص:۱۲۳

۲۰. کافی، ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ه. ش.

۲۱. المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، قم، دارالکتب الاسلامیهٔ، بی‌تا.

۲۲. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، میرزا حسین نوری طبرسی، چاپ اول، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۷ه. ق.

۲۳. معانی الاخبار، علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق) ، بیروت، منشورات اعلمی، ۱۴۱۰ه. ق.

۲۴. معجم المحاسن و المساوی، ابوطالب تجلیل تبریزی، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۲۵. مکارم الاخلاق، رضی‌الدین ابی‌نصرالحسن بن الفضل طبرسی، بیروت، مؤسسه اعلمی.

۲۶. مناقب آل ابی‌طالب، محمد بن شهرآشوب، قم، انتشارات علامه، ۱۳۷۹ه. ش.

۲۷. میزان الحکمه، محمد محمدی ری‌شهری، چاپ اول، قم، دارالحدیث، ۱۴۱۶ه. ق.

۲۸. نهج الفصاحه، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تصحیح و تدوین: عبدالرسول پیمانی، محمدامین شریعتی، اصفهان، خاتم الانبیاء، ۱۳۸۵ه. ش.

۲۹. وسائل الشیعه، محمدبن حسن حر عاملی، تحقیق: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، چاپ اول، قم، ۱۴۰۹ه. ق.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».